

# بررسی و مقایسه سیاست‌های حمایتی تجاری

## ایران با کشورهای عمده طرف تجاری

دکتر فتح‌اله تازی\*، سیدمحسن علوی‌منش\*\*

تاریخ دریافت ۸۹/۱/۲۳	تاریخ پذیرش ۸۹/۳/۸
----------------------	--------------------

بخش عمده سیاست‌های حمایتی در دنیای امروز با پیوستن به سازمان جهانی تجارت، چارچوب‌های تعریف شده و محدودی پیدا کرده است آنچه در این سازمان به عنوان محور اصلی سیاست‌های حمایتی توجه شده، سیاست‌های تعرفه‌ای است.

باید توجه داشت عدم بررسی دقیق تأثیرات تعرفه بر متغیرهای اقتصادی و شناسایی نکردن عوامل مؤثر بر اجرای بهینه نظام تعرفه‌ها به یک نظام تعرفه متزلزل و بی‌ثبات منجر می‌شود. در چنین نظامی گاهی به دلیل اهمیت یافتن یک هدف اقتصادی یا تغییر مسئولان اقتصادی کشور، تعرفه‌ها دچار نوسانات پیش‌بینی نشده‌ای می‌گردند و این نوسانات به تولید ملی و در نتیجه اشتغال، رفاه و قدرت اقتصادی کشور لطمه زیادی می‌زند. شاید بتوان یکی از دلایل اصلی بی‌ثباتی نرخ‌های تعرفه در کشور را عدم تبیین اولویت‌های صنعتی کشور برشمرد که با وجود تلاش‌های پراکنده‌ای که در این خصوص صورت گرفته تاکنون وفاق ملی در مورد آن شکل نگرفته است.

در این مقاله با بررسی جایگاه سیاست‌های حمایتی در ادبیات اقتصادی و مرور روش‌های سنجش حمایت، به طور خاص به بحث سیاست‌های حمایتی تجاری و سیاست‌های حمایتی مورد تأیید سازمان جهانی تجارت و حمایت‌های ممنوع اشاره و مشکلات اساسی سیاست حمایتی تجاری کشور بیان می‌شود.

\* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی؛

E-mail: tarifath@gmail.com

\*\* پژوهشگر گروه بازرگانی دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: malavimanesht@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: تعرفه؛ سیاست حمایتی؛ سازمان جهانی تجارت؛ اولویت صنعتی؛ سیاست  
تجاری؛ نرخ ارز  
طبقه‌بندی JEL: F13



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

سیاست‌های حمایتی در اقتصاد همه کشورها وجود داشته و دارد ولی نقش و جایگاه این سیاست‌ها و عملکرد کشورها در طول تاریخ حوزه‌ای وسیع و متنوع را نشان می‌دهد. علی‌رغم آنکه بحث مسلط و دیدگاه مطرح در دنیای امروز، پرهیز از سیاست‌های حمایتی است و توسعه عضویت در سازمان جهانی تجارت نیز با این شعار همراه بوده است اما در عمل هنوز هم سیاست‌های حمایتی در دنیا مشاهده می‌شود با این تفاوت که دیگر در آن به‌ندرت افراطی‌گری وجود دارد. کشوری نیست که بتواند با سیاست‌های افراطی حمایتی، منافع بلندمدت کسب کند و ادامه آن تنها منجر به این نتیجه است که هم از منافع تجارت بین‌الملل بهره‌مند نشود و هم در تولید و مصرف کارایی نداشته باشد. آغاز فرایند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، بررسی ساختار سیاست‌های حمایتی کشور و شناخت وضعیت مطلوب آن و تطابق آنها با سیاست‌های حمایتی مورد قبول این سازمان را ضروری‌تر کرده است. با توجه به اینکه بسیاری از تعهدات کشور متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت انعطاف‌پذیر و مبتنی بر مذاکره است؛ مقایسه سیاست‌های حمایتی ایران با کشورهای عمده طرف تجاری به درک بهتر از وضعیت فعلی سیاست‌های حمایت از بازار داخلی کشور کمک می‌کند.

## ۱ جایگاه سیاست‌های حمایتی در ادبیات اقتصادی

بعد از آنکه آدام اسمیت رشد اقتصادی را در گرو تقسیم کار دانست و بر منافع تجارت آزاد مبتنی بر مزیت مطلق تأکید کرد، ریکاردو منافع تجارت بین‌الملل را با وجود مزیت نسبی تبیین کرد و بدین ترتیب نظریه تجارت آزاد شکل گرفت.

البته نظریه کلاسیک تجارت متکی بر تعدادی فروض مهم از جمله صفر بودن هزینه حمل و نقل، قابل جابه‌جایی بودن عوامل تولید در سطح داخلی و نبود این ویژگی در سطح بین‌الملل، ایستایی مزیت نسبی و نیز مبتنی بر نظریه ارزش کار بود. اما نویسندگان

نئوکلاسیک با افزودن هزینه حمل و نقل، جابه‌جایی عوامل تولید میان کشورها، تأکید بر بازده صعودی به مقیاس<sup>۱</sup> و ماهیت دینامیک مزیت نسبی و غیره، تلاش کردند تا فروض غیرواقعی و نادرست نظریه‌های کلاسیک را از بین ببرند که نتیجه این تلاش‌ها در نظریه هکشر - اوهلین - ساموئلسون<sup>۲</sup> متبلور است.

مکتب نئوکلاسیک با در نظر گرفتن فروضی، مانند اطلاعات کامل، ثابت می‌کند که حضور دولت در اقتصاد موجب کاهش کارایی می‌شود و در نتیجه دولت بهتر است با مداخله نکردن خود اجازه دهد «دست نامرئی بازار» به تخصیص بهینه منابع پردازد.

هرچند این رویکرد شکست بازار را در مواردی مانند توزیع درآمد، وجود صرفه‌های بیرونی، انحصار طبیعی و غیره پذیرفته است، اما میزان دخالت دولت در آن بسیار محدود است و تبلیغ این مسئله که اقتصاد آمریکا و کشورهای غربی به دلیل حاکم بودن این رویکرد موفق بوده موجب تأکید بر سیاست‌های آزادسازی مانند بسته سیاست تعدیل شده است.

کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها بر تجارت آزاد و دخالت نکردن دولت‌ها تأکید می‌کنند و در مقابل دسته دیگری از متفکران تحت عنوان ناسیونالیست‌های اقتصادی به مداخله اقتصادی و کنترل دولت در تجارت بین‌الملل و حمایت از صنایع داخلی برای منافع اقتصادی ملی معتقدند.

درحالی که گروه اول بر منافع مطلق کشورها از ثروت جهانی ناشی از تجارت آزاد تأکید دارند، گروه دوم بر منافع توزیعی حاصل از تجارت بین‌الملل تأکید دارند و مدعی‌اند که در جهان همراه با تجارت آزاد، رابطه مبادله به نفع کشورهای پیشرفته صنعتی است.

انتقاد ناسیونالیست‌های اقتصادی نسبت به نظریه تجارت آزاد در سه مقوله کلی پیامدهای تجارت آزاد برای توسعه اقتصادی و تقسیم بین‌المللی کار، منافع نسبی در مقابل منافع مطلق تجارت و تأثیرات تجارت بر اقتدار ملی و رفاه اجتماعی جای می‌گیرد.

الکساندر هامیلتون و فریدریک لیست را می‌توان نظریه پردازان اصلی ناسیونالیست‌های

1. Increasing Returns to Scale

2. Heckscher \_ Ohlin \_ Samuelson

اقتصادی دانست. موفقیت آلمان در توسعه صنعتی را نیز به حاکم شدن افکار لیست در این کشور نسبت می‌دهند.

فردریک لیست در کتاب *نظام ملی اقتصاد سیاسی* (۱۸۴۱) نظریه تجارت آزاد اقتصاددانان انگلیسی را در واقع سیاست اقتصادی قدرتمندان می‌داند و معتقد است هیچ‌گونه تقسیم بین‌المللی کار مبتنی بر قانون مزیت نسبی که امری طبیعی و تغییرناپذیر باشد وجود ندارد و تقسیم کار یک موقعیت تاریخی ناشی از استفاده زودتر از قدرت سیاسی و اقتصادی است (امیدبخش، ۱۳۸۴).

البته همواره در انتقاد نظر ناسیونالیست‌ها این مسئله مطرح بود که اگر همه کشورهای جهان بخواهند از نظر آنها استفاده کنند و دست به حمایتگرایی بزنند در آن صورت نتیجه‌ای جز کاهش تجارت جهانی و رکود اقتصادی نخواهد داشت کما اینکه بحران بزرگ ۱۹۲۹ را ناشی از سیاست حمایتگرایی ایالات متحده برمی‌شمرند.

#### ۱-۱ سیاست راهبردی تجاری (نزدیکی دو دیدگاه)

با توجه به اینکه نظریه‌های سنتی کلاسیک‌ها مبتنی بر فرض رقابت کامل است نتوانستند الگوهای تجارت جهانی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی شامل پدیده‌هایی مانند تجارت درون صنعتی، میزان چشمگیر تجارت میان کشورهای مشابه، اهمیت تحقیق و توسعه و وجود رقابت راهبردی میان بنگاه‌ها را توضیح دهند، اقتصاددانان نئوکلاسیک تلاش کردند تا شکاف میان تئوری تجارت آزاد و واقعیت‌های تجارت بین‌الملل کمتر نمود پیدا کند. این تلاش‌ها سبب شد تا اهمیت فرض رقابت ناقص در الگوهای تجارت بیشتر درک شود. درک وجود رقابت ناقص و تأثیرات ناشی از حاکمیت آن موجب نزدیکی دیدگاه‌های لیبرال و ناسیونالیست در حوزه تجارت شد که تبلور آن را می‌توان در سیاست راهبردی تجاری<sup>۱</sup> مشاهده کرد.

---

۱. در برخی ترجمه‌ها این سیاست به سیاست استراتژیک تجاری ترجمه شده است.

سیاست راهبردی تجاری که در اوایل ۱۹۸۰ توسط جیمز براندر و باریبار اسپنسر مطرح شد از یک سو به دلیل وضعیت رقابت ناقص در بازار بسیاری از کالاها، مداخله دولت در تجارت میان ملت‌ها را مجاز می‌داند و از سوی دیگر تنها حمایت از صنایع منتخب (برندگان آتی) را مجاز می‌داند. بنابراین سیاست تجاری بینابین است (میرجلیلی، ۱۳۷۸).

سیاست راهبردی تجاری تلاش می‌کند تا با به کارگیری نظریه بازی غیرهمکارانه و استفاده از ابزارهای تعرفه و یارانه صادراتی در بازارهای رقابت ناقص به حمایت از صنایع داخلی و خلق مزیت بپردازد. در خلق مزیت، مهم آن است که فعالیت‌های صنعتی‌ای گزینش شوند که برنده آتی باشند. حمایت از صنایع منتخب (صنایع راهبردی) در کوتاه‌مدت انجام می‌شود و در بلندمدت، صنعت مورد حمایت از طریق دستیابی به صرفه‌های مقیاس می‌تواند سهم خود را از بازارهای جهانی به سرعت افزایش دهد. تفاوت حمایت مورد نظر سیاست راهبردی تجاری و حمایت به شکل سیاست جایگزینی واردات آن است که حمایت مورد نظر سیاست راهبردی تجاری برای توسعه صادرات است (همان).

در مورد سیاست راهبردی تجاری نیز سؤال‌هایی مطرح می‌شود: «۱. آیا می‌توان بخش‌های استراتژیک را شناسایی کرد؟ ۲. آیا می‌توان یک سیاست استراتژیک را به صورت موفقیت‌آمیزی تعقیب کرد؟ ۳. آیا می‌توان اطمینان داشت که سیاستگذاران از این نوع سیاست تجاری استفاده می‌کنند؟ ۴. عکس‌العمل دولت‌های دیگر چگونه خواهد بود؟» (کروگمن، ۱۳۷۸).

هرچند سیاست راهبردی تجاری مداخله دولت در اقتصاد را توصیه می‌کند اما در مورد نحوه مداخله و انتخاب صنایع مورد حمایت هنوز به معیار مقبولی برای مداخله دولت نرسیده است. تعیین و گزینش صنایع خاص برای حمایت با ریسک زیادی مواجه است؛ زیرا احتمال دارد سودی که دولت‌ها از طریق این مداخله عاید برخی شرکت‌های داخلی می‌کنند کمتر از مزایای رفاهی باشد که جامعه از دست می‌دهد. اتخاذ چنین سیاستی سبب می‌شود که طرف‌داران هر صنعت با اعمال فشارهای سیاسی و اعلام استراتژیک بودن

صنعت، درصدد کسب حمایت دولت برآیند که نتیجه آن چندان خوشایند نیست و از این نظر نئو کلاسیک‌ها هیچ‌گاه نظریه تجارت آزاد را رسماً رها نمی‌کنند. به اعتقاد نئو کلاسیک‌های متعصب، این سیاست به دولت‌ها آزادی عمل می‌دهد که ضمن گزینش و حمایت از برخی صنایع و حتی با نقض اصول تجارت آزاد، بتوانند در مورد صنایع دیگری که مایل به حمایت از آنها نیستند به نظریه تجارت آزاد متوسل شوند (امیدبخش، ۱۳۸۴).

اگر عاملان اجرای سیاست‌های راهبردی تجاری تحت تأثیر این گروه‌های فشار، گزینش‌های مربوط به صنایع را انجام دهند و از واقعیت‌های اقتصادی درزمینه آتیه صنایع مورد گزینش غافل شوند اتخاذ این راهبرد نمی‌تواند در جهش صادرات و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار مؤثر واقع شود (بررسی‌های بازرگانی، ۱۳۷۷).

مباحث مرتبط با نظریه‌های تجارت با تجربه موفق کشورهای جنوب شرق آسیا وارد مرحله جدیدی شد. رشد صنعتی فوق‌العاده کشورهای جنوب شرقی آسیا هرچند در کتب مختلف با همان ادبیات نئو کلاسیک رویکرد توسعه صادرات به جای جایگزینی واردات، برون‌گرایی به جای درون‌گرایی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی تبیین و بدین ترتیب تا حدی علت‌های این موفقیت بزرگ تحریف شد اما با چاپ کتاب معجزه آسیایی<sup>۱</sup> نقش دخالت دولت‌های این کشورها در فرایند توسعه تا حدودی آشکار شد (رضوی، ۱۳۸۳).

این کتاب به چهار تفاوت اوضاع زمانی صنعتی‌شوندگان اولیه با کشورهای تازه‌صنعتی شده اشاره کرده است تا تغییر نقش و میزان دخالت دولت را توجیه کند. این تفاوت‌ها به شکل خلاصه عبارت‌اند از: ۱. پیشرفت‌های فناوری در دوره صنعتی شدن کشورهای گروه اول آهسته بود، ۲. کشورهای صنعتی متأخر به دلیل حضور کشورهای صنعتی اولیه در فعالیت‌های اقتصادی و ساختار نفوذناپذیر بازارها، برای ورود به بازارهای جهانی با مشکل مواجه بودند، ۳. با توجه به اینکه محدودیت‌های زمانی، شکاف فناوری و

---

1. Rethinking the East Asian Miracle, World Bank, 1993.

افزایش روزافزون بازده نسبت به مقیاس نیاز به سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد بنابراین کشورهای صنعتی متأخر بیشتر نیازمند تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری بودند و ۴. کشورهای صنعتی متأخر که به رشد ظرفیت تولیدی بیشتری نیاز داشتند، نیازمند تغییرات نهادی و اجتماعی بیشتری بودند (درگاهی، ۱۳۸۳: ۲۳۶).

بانک جهانی دخالت‌های دولت را به دو دسته تقسیم کرده است: دخالت‌های کارکردی<sup>۱</sup> یا موافق بازار و دخالت‌های گزینشی<sup>۲</sup> یا غیر موافق با بازار.

دخالت‌های کارکردی را دخالت‌های مستقیم دولت در اقتصاد می‌دانند که باعث جهت‌دهی منابع به سمت خاصی نمی‌شود لیکن درعین حال سعی در رفع ناتوانایی‌ها و شکست‌های بازار دارد.

حمایت از سرمایه‌انسانی (بهداشت و آموزش)، آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و بهبود صادرات را می‌توان به‌عنوان مثال‌هایی از دخالت‌های کارکردی دانست.

دخالت‌های گزینشی نیز شامل سیاست‌هایی می‌شود که تخصیص منابع را به نفع گروه خاصی هدایت می‌کند.

بانک جهانی موفقیت‌های کشورهای شرق آسیا را ناشی از سیاست‌های کارکردی می‌داند و با تأیید وقوع دخالت‌های گزینشی در شرق آسیا، نقش آن را در موفقیت کشورها بی‌تأثیر برمی‌شمرد.

در کتاب *استراتژی توسعه صنعتی کشور نیز همین رویکرد تأیید شده و آمده است: «در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی که شرایط جهانی بسیار متفاوت با امروز بود، دخالت‌های گزینشی از سوی دولت‌ها در کشورهای آسیای شرقی، موفقیت‌هایی را به دنبال داشت. در آن زمان روابط صنعتی بسیار بسیط، فناوری تولید ساده و بازارها بسیار کوچک‌تر بودند.*

در جهان امروز که با فناوری‌های پیشرفته، روابط پیچیده مدیریتی، بازارهای به هم



پیوسته و تحولات سریع در نوع و کیفیت محصولات صنعتی شناخته می‌شود، اولویت‌گذاری تولید محصولات توسط دولت و برای افق بلندمدت آینده، پسرستی بزرگ در روند صنعتی شدن تلقی می‌گردد.

رویکرد جایگزین آن است که ویژگی‌های حوزه‌های مختلف صنعتی کشور در ابعاد مختلف تولید و سرمایه‌گذاری و نیز تقاضای داخلی از یک سو و مشخصه‌های صنعت جهانی و فرصت‌ها و تهدیدهای قابل پیش‌بینی در جهان صنعتی و منطقه پیرامونی از سوی دیگر مورد شناسایی قرار گیرد و خط‌مشی‌های مربوط به هر یک در جهت تحقق رقابت‌پذیری به‌عنوان محور اصلی استراتژی توسعه صنعتی تنظیم گردد» (نیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۳۷).

باید متذکر شد که دیدگاه فوق با انتقاد نیز مواجه شده است. در نقد این نظر آمده است: «از عبارت اولویت‌گذاری تولید و برخی قراین دیگر می‌توان دریافت که درک ایشان از سیاست‌های عمودی و گزینشی، تعیین دقیق نوع و میزان تولیدات صنعتی کشور توسط بنگاه‌های مختلف در یک افق بلندمدت آینده است و لذا سعی دارند با تأکید بر این جمله که «سرعت رشد فناوری بیشتر شده است» و «ایجاد تنوع در محصولات سریع‌تر شده است» نتیجه بگیرند که این سیاست‌ها امروزه کارایی ندارند.

علاوه بر اینکه فناوری در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی نیز آن‌گونه که مؤلفان آن کتاب ذکر کرده‌اند، آن قدرها ساده و بسیط نبوده است و سرعت تحولات آن نیز به میزانی بوده که مشکلاتی که آنها در اجرای سیاست‌های گزینشی بدان اشاره کرده‌اند، وجود داشته باشد (شاهمیرزایی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

در مورد بحث خاص مداخله دولت و سیاست‌های حمایتی در حوزه تجارت نیز برخی نویسندگان داخلی استفاده کشورهای تازه‌صنعتی شده آسیای جنوب شرقی از ابزارهای تجاری برای مقاصدی مانند حمایت از صنایع نوپا برای رسیدن، ارتقا و حمایت از صنایع سرمایه‌بر یا فناوری‌بر و غیره را تصدیق کرده‌اند و بر استفاده یارانه صادراتی و

مالیات تأکید دارند اما در این حوزه نیز به تغییر اوضاع جهانی و ناکارآمدی گزینش و حمایت هدفمند اشاره شده است:

«با وجود سیاست‌های الزام‌آور سازمان جهانی تجارت<sup>۱</sup> دوران سیاست‌های تجاری حمایتی به‌طور فزاینده‌ای در حال گذار است و امروزه سیاست‌های تجاری فعال فقط در سیاست‌های فناوری و ارتقای منابع انسانی قرار می‌گیرند» (درگاهی، ۱۳۸۳: ۱۰۶-۱۰۵). بدین ترتیب این دسته از اقتصاددانان داخلی تنها سیاست‌های گزینشی را در عرصه مباحث آموزشی و فناوری مقبول و درست می‌دانند. اما باید توجه داشت که اگر برای یک کشور اولویت صنعتی و تجاری مشخصی تعریف نکنیم با اعمال تعرفه‌ها و مالیات‌های غیریکسان در عمل نوعی اولویت نانوشته اعمال کرده‌ایم.

همچنین هرچند باید قبول کنیم که با توجه به وجود سازمان جهانی تجارت و لغو برخی معافیت‌های اولیه برای الحاق و تطابق با قواعد آن، استفاده از رویکردهای پیشین مشکل‌تر شده است اما همان‌چهار تفاوت میان کشورهای صنعتی اولیه و متأخر که توجیه‌کننده دخالت دولت بود، برای کشورهای دیگری که اکنون می‌خواهند صنعتی شوند، به شکل شدیدتری وجود دارد.

لزوم اتخاذ سیاست راهبردی در بند «ک» ماده (۳۳) قانون برنامه چهارم توسعه<sup>۲</sup> نیز تبلور یافته است که در آن دولت به برقراری هماهنگی میان سیاست‌های مالی و پولی با سیاست‌های استراتژیک تجاری مکلف شده است. با وجود این، هنوز این امر تحقق نیافته و به نظر می‌رسد سؤالات و ابهامات فوق‌الذکر دلیل آن است.

## ۲ روش‌های سنجش حمایت و برخی یافته‌های تجربی درباره ایران

همه دخالت‌هایی را که دولت به‌منظور حمایت از تولید داخلی انجام می‌دهد، سیاست‌های

1. World Trade Organization (WTO)

۲. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

حمایتی گویند که برای اعمال آن از ابزارهایی مانند تعرفه، موانع غیر تعرفه‌ای، مالیات، یارانه‌های مبادلاتی، نرخ‌های چندگانه ارز، قیمت‌گذاری کالاها و غیره استفاده می‌کنند. معمولاً در سنجش حمایت‌های صورت گرفته از چهار روش: مقیاس شکاف قیمت؛ مقیاس‌های شکاف درآمد (شامل روش نرخ مؤثر حمایت و روش معادل یارانه)؛ مقیاس‌های شکاف واقعی درآمد (شامل روش مقیاس‌های مازاد تولید‌کننده و مصرف‌کننده و روش مقیاس‌های تعادل عمومی) و الگوی تحلیل انتشار استفاده می‌کند (رازینی رحمانی، ۱۳۸۱: ۳).

#### ۲-۱ معایب روش‌های سنجش

به‌طور کلی در مورد این شاخص‌ها می‌توان گفت که این شاخص‌ها بیشتر تحلیل وضعیت موجود را نشان می‌دهند و با نگاهی گذشته‌نگر فقط به توصیف حمایتی می‌پردازند که انجام شده است.

اما سنجش‌ها به این سؤال پاسخ نمی‌دهد که چه حمایت‌هایی از چه بخش‌هایی از اقتصاد و به چه شکلی باید صورت گیرد و بدین ترتیب اطلاعات کمی در مورد حمایت‌های مطلوب ارائه می‌دهند. در نتیجه سنجش حمایت‌ها به شیوه‌های متعارف را می‌توان شرط لازم ولی ناکافی برای سیاست‌گذاری‌های حمایتی دانست.

علاوه بر این باید توجه داشت که نتایج مطالعات فقط به شکل مقطعی مورد استفاده می‌باشند؛ زیرا در صورت تغییر زیاد برخی متغیرهای اقتصادی، نتایج این مطالعات دیگر مورد استفاده نیست و سنجش حمایت باید متناوباً به‌روز شود.

از نکات قابل تأمل در این سنجش‌ها آن است که نرخ ارز علاوه بر اینکه می‌تواند یکی از ابزارهای حمایتی باشد خود در تعیین میزان سطح حمایت دیگر ابزارها نیز بسیار مؤثر است. بدین ترتیب با تغییر نرخ ارز میزان حمایت‌ها نیز تغییر می‌کند و برای سنجش آن باید به مطالعه جدیدی پرداخت.

## ۲-۲ روش‌های حمایت در کشور ما

کشور ما در سه دهه اخیر مطالعات نسبتاً مناسبی در سنجش میزان حمایت‌ها انجام داده است اما نتایج کاربردی این مطالعات کمتر در حیطه سیاستگذاری کشاورزی و صنعتی و ساختارهای تجاری مورد استفاده یا نقد قرار گرفته است.

هرچند به سبب گذشت زمان نمی‌توان به نتایج بسیاری از این مطالعات استناد کرد، اما از نکات مورد تأمل در سنجش میزان حمایت‌های ایران می‌توان به نرخ حمایت نامناسب از بخش‌های کشاورزی و دام‌پروری اشاره کرد. به گونه‌ای که با وجود وضع محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در این بخش باز هم قیمت داخلی این محصولات از قیمت وارداتی بیشتر است و این امر نشان‌دهنده حمایت مناسب نکردن و تعیین نادرست نرخ‌های تعرفه‌ای است (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۳۵).

بدین ترتیب درحالی که حمایت از محصولات کشاورزی به دلیل راهبردی بودن و مبحث امنیت غذایی و غیره در سازمان جهانی تجارت نیز تا حد زیادی مقبول و اصطلاحات کوه کره و دریاچه شراب در مورد حمایت کشورهای پیشرفته غربی و پرداخت یارانه به بخش کشاورزی مشهور است در کشور ما نه تنها چنین یارانه‌ای پرداخت نمی‌شود بلکه حمایت مناسبی در مقابل یارانه‌های آن کشورها صورت نمی‌گیرد.

همچنین مطالعات انجام شده درخصوص سیاست‌های حمایتی کشور حاکی از آن است که ایران از صنایع به روش‌های ارائه تسهیلات ارزی و ریالی با نرخ ترجیحی، اعتبارات اسنادی، تأمین مالی صادرات پس از حمل، اعطای یارانه به سازمان کشتی‌رانی برای کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل در مسیرهایی که توجیه اقتصادی ندارد، اعطای یارانه به صادرکنندگانی که به‌علت عدم عضویت ایران در سازمان‌های تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی و پرداخت تعرفه‌های بالا نمی‌توانند رقابت کنند، پرداخت جوایز صادراتی حداکثر ۳ درصد برای محصولات پویا، پرداخت بخشی از هزینه‌های شرکت در نمایشگاه‌های خارجی، تبلیغات، مطالعات بازاریابی در کشورهای هدف، استرداد حقوق ورودی مواد

اولیه وارداتی به کار رفته در کالاهای صادراتی پس از اخذ اسناد و مدارک ثبت شده و ... از تولید و صادرات حمایت می‌کند (ولدیگی، ۱۳۸۶: ۲۹۸).

### ۳ سیاست‌های حمایتی تجاری

هرچند سیاست‌ها و ابزارهای مختلفی مانند سیاست‌های ارزی، مالی، قیمت‌گذاری، یارانه‌ای، ارائه خدمات فنی - مهندسی و آموزشی برای حمایت وجود دارد اما در این مقاله فقط به سیاست‌های حمایتی تجاری پرداخته می‌شود.

سیاست‌های حمایتی تجاری را می‌توان به دو دسته سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی در مقابل واردات (سیاست‌های دسترسی به بازار) و سیاست‌های حمایتی صادراتی و در راستای توسعه صادرات تقسیم کرد که در این مقاله به گروه اول سیاست‌ها با نگاهی به قوانین سازمان جهانی تجارت و وضعیت ایران می‌پردازیم.

#### ۳-۱ مقایسه سیاست‌های حمایتی تجاری سازمان جهانی تجارت در موافقت‌نامه‌ها

##### با عمل

##### ۳-۱-۱ سیاست حمایتی در موافقت‌نامه‌ها

سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی در مقابل واردات یا سیاست‌های دسترسی به بازار به مفهومی که سازمان جهانی تجارت مورد نظر دارد، درباره کالاها از طریق اقدامات مرزی همچون تعرفه‌ها، محدودیت‌های مقداری و دیگر اقدامات غیرتعرفه‌ای صورت می‌پذیرد.

تعرفه گمرکی و وضع حقوق و عوارض بر واردات مهم‌ترین و قدیمی‌ترین وسیله حمایت از صنایع و دخالت دولت‌ها در تجارت جهانی است (عسگری، ۱۳۸۵).

اقدامات غیرتعرفه‌ای نیز شامل اقداماتی غیر از اعمال تعرفه می‌شود که برای حمایت از صنایع داخلی و از طریق توسعه قوانین و مقررات صورت می‌گیرد. البته اقدامات غیرتعرفه‌ای کشورهای قدرتمند دارای اشکال متفاوتی مانند موافقت‌نامه‌های دوجانبه‌ای

تحت عنوان خودداری‌های داوطلبانه صادراتی و ترتیبات بازاریابی منظم<sup>۱</sup> بوده است. در سازمان جهانی تجارت استفاده از موانع غیر تعرفه‌ای ممنوع است و فقط می‌توان از تعرفه برای حمایت از صنایع استفاده کرد. به علاوه باید تعرفه‌ها دارای دو ویژگی ثبات و پیش‌بینی‌پذیری باشند. بنابراین پس از تعیین تعرفه تثبیتی<sup>۲</sup> در مورد هر ردیف تعرفه‌ای، کشور عضو نمی‌تواند تعرفه مورد عمل<sup>۳</sup> خود را از آن میزان افزایش دهد. می‌توان از مواردی مانند شرایط ویژه محصولات کشاورزی و خدمات، اقدامات ضدقیمت‌شکنی (ضددامپینگ)، موافقت‌نامه حفاظت‌ها، مذاکرات مجدد و شرط توانمندسازی و تأسیس صنایع جدید (بند «۷» ماده (۱۸) گات) به‌عنوان قواعدی از سازمان جهانی تجارت نام برد که در آنها برخلاف قاعده کلی این سازمان می‌توان از موانع غیر تعرفه‌ای یا تعرفه‌های بالا به شکل موقت یا طولانی‌مدت استفاده کرد. بدین ترتیب در نظر داشتن این موارد در طراحی سیاست‌های حمایتی ایران در الحاق به سازمان جهانی تجارت بسیار بااهمیت است. هرچند موفقیت در اعمال این سیاست‌های حمایتی به قدرت مذاکره نمایندگان کشور در این سازمان بستگی خواهد داشت.

با وجود اینکه سازمان جهانی تجارت این حمایت‌های مشروع را برای کشورها در نظر

۱. خودداری‌های داوطلبانه صادراتی، موافقت‌نامه دوجانبه‌ای است که طی آن کشور صادرکننده (دولت یا بخش خصوصی) می‌پذیرد که صادرات خود را بدون اینکه کشور واردکننده مجبور به استفاده از سهمیه‌ها، تعرفه‌ها و یا دیگر کنترل‌های وارداتی شود، کاهش دهد یا محدود سازد. برخلاف خودداری‌های داوطلبانه صادراتی، ترتیبات بازاریابی منظم محدودیتی است که کشور واردکننده وضع می‌کند.

۲. اصطلاح تعرفه‌های تثبیتی عبارت است از تعهد قانونی دائر بر افزایش نیافتن تعرفه‌ها به میزان بالاتر از نرخ‌ها که در مذاکرات گات بر آن توافق شده و در جدول تعهدات و امتیازات یک کشور آمده است. تعرفه‌های تثبیتی در سازمان جهانی تجارت اجرا می‌شود. هدف از تثبیت تعرفه به‌وجود آوردن اطمینان تجاری بیشتر از طریق وضع حداکثر یا سقف بر نرخ تعرفه است که نتوان آن را بدون ارائه جبران به شرکای ذی‌نفع نقض و اضافه کرد.

۳. منظور از نرخ‌های تعرفه مورد عمل نرخ‌های تعرفه‌ای است که در مرزهای یک کشور اعمال می‌شود. این نرخ‌ها در برخی موارد به‌طور چشمگیری پایین‌تر از نرخ‌های تعرفه تثبیتی سازمان جهانی تجارت است که در برنامه‌های تعرفه ملی فهرست شده‌اند.

گرفته است اما باز هم کشورهایی به حمایت‌های ممنوع می‌پردازند و یا از وجود حمایت‌های مشروع سوءاستفاده می‌کنند. خوشبختانه با ایجاد سازمان جهانی تجارت نظام حل و فصل اختلافات تجاری بین‌الملل نیز اجرایی شده است و اصولاً از مزیت‌های اصلی ایجاد این سازمان نسبت به موافقت‌نامه گات همین امر است که در این سازمان مقررات تفصیلی‌تر و عملی‌تری در مورد بررسی و اجرای نظام حل و فصل اختلافات وجود دارد (امیدبخش، ۱۳۸۵: ۲۹).

### ۲-۱-۳ سیاست حمایتی در عمل

در سایت رسمی سازمان جهانی تجارت به تمام پرونده‌ها و موضوعات مورد اختلاف اشاره شده است. براساس اطلاعات این سایت تا کنون ۴۲۷ پرونده اختلاف برای رسیدگی به رکن حل اختلاف این سازمان سپرده شده است.

ایالات متحده در دویست پرونده شکایت یکی از دو طرف پرونده بوده و در این موضوع جایگاه اول را در میان کشورها و مناطق جغرافیایی کسب کرده است. این کشور در ۹۳ پرونده به‌عنوان شاکی و در ۱۰۷ پرونده به‌عنوان متشاکی حضور داشته است.

بعد از ایالات متحده، اتحادیه اروپا با داشتن ۱۴۶ پرونده (۸۱ پرونده به‌عنوان شاکی و ۶۵ پرونده به‌عنوان متشاکی) و سپس کشورهای کانادا (۴۷ پرونده)، برزیل (۳۸ پرونده)، هند (۳۸ پرونده)، مکزیک (۳۵ پرونده) و آرژانتین (۳۱ پرونده) قرار دارند.

کشور چین نیز که از سال ۲۰۰۱ به عضویت سازمان درآمده است تا کنون ۲۳ پرونده حقوقی (۶ پرونده به‌عنوان شاکی و ۱۷ پرونده به‌عنوان متشاکی) داشته است ([www.wto.org/english/tratop\\_e/dispu\\_e/dispu\\_by\\_country\\_e.htm](http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_by_country_e.htm)).

مطالعات نشان می‌دهد که معمولاً نتیجه رسیدگی‌ها به نفع شاکی بوده است و متشاکیان عموماً توصیه‌ها و آرای هیئت‌های رسیدگی یا رکن استینافی را در فرصت معقول اجرا کرده یا به‌نحو دیگری رضایت شاکی را جلب کرده‌اند. از میان دعاوی ارجاع شده به رویه‌های حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت، تعداد زیادی با مشورت دوجانبه طرفین حل

اختلاف شده است. در خصوص دعاوی که از مرحله مشورت می گذرند و به مرحله تشکیل هیئت رسیدگی می رسند، اکثرشان تا مرحله استیناف پیش می روند.

«دعاوی که از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت به تعلیق امتیازات و تعهدات منجر شده‌اند عبارت‌اند از:

- موانع اتحادیه اروپا بر واردات گوشت و فراورده‌های آن (شکایت آمریکا و کانادا)،

- رژیم واردات موز اتحادیه اروپا (شکایت آمریکا و اکوادور)،

- تأمین اعتبار مالی برزیل برای هواپیما (شکایت کانادا)،

- شرکت‌های فروش خارجی آمریکا (شکایت اتحادیه اروپا)،

- اعتبارات صادراتی و وام‌های تضمینی کانادا به هواپیما (شکایت برزیل)،

- قانون ضدقیمت‌شکنی ۱۹۱۶ آمریکا (شکایت اتحادیه اروپا)» (دژم‌خوی، ۱۳۸۵:

۵۰۱-۵۰۰).

## ۲-۳ سیاست‌های حمایتی تجاری پس از بحران مالی اخیر

به وجود آمدن بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ نیز موجب شده است که کشورها به دلیل این وضعیت خاص و فشارهای اجتماعی خصوصاً فشارهای ناشی از بیکاری به سمت حمایت‌گرایی سوق پیدا کنند. با توجه به تجربه تلخ حمایت‌گرایی‌های دهه ۱۹۳۰ میلادی، کشورهای عضو گروه بیست در نوامبر ۲۰۰۸ تعهد کردند که از اقدامات حمایت‌گراییانه اجتناب کنند اما از آن تاریخ به بعد ۱۷ کشور از آنها ۴۷ اقدام حمایت‌گراییانه برای محدود کردن تجارت به زیان کشورهای دیگر انجام داده‌اند. هرچند کاهش شدید میزان تجارت جهانی در ماه‌های اخیر به سبب رکود جهانی و افزایش هزینه تأمین مالی تجارت بوده و تأثیر حمایت‌ها تأثیری حاشیه‌ای است اما روند افزایش حمایت‌گرایی نگران‌کننده است.

براساس گزارش رصد اقدامات تجاری و مربوط به تجارت منتشر شده از سوی بانک

جهانی، از آغاز بحران مالی، مقامات کشورها حدود ۷۸ اقدام تجاری را پیشنهاد و یا اجرا



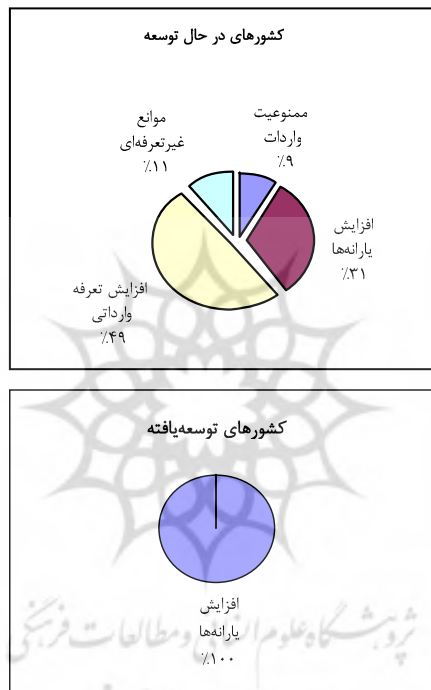
کرده‌اند. از این اقدامات ۶۶ مورد محدودیت تجارت بوده و ۴۷ اقدام محدودکننده تجارت در عمل اجرا شده است. البته ارزیابی تأثیر تجاری این اقدامات مشکل است زیرا برخی از این اقدامات غیرتعرفه‌ای مانند یارانه و یا اعمال برخی شروط و سهمیه‌هاست.

یک سوم اقدامات محدودکننده تجاری مورد عمل به شکل افزایش تعرفه بوده است؛ برای نمونه روسیه تعرفه ماشین‌های دست دوم و اکوادور تعرفه بیش از ششصد قلم کالا را افزایش داده‌اند. البته کشورهای در حال توسعه در محدود کردن تجارت بیشتر از ابزار افزایش تعرفه استفاده کرده‌اند و نیمی از اقدامات آنان به این شیوه بوده است؛ زیرا تعرفه‌های تثبیتی موافقت شده در این کشورها بالا و بیشتر از تعرفه‌های مورد عمل آنهاست، در نتیجه کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته امکان بیشتری در استفاده از ابزارهای تعرفه‌ای در اختیار دارند.

در حمایت‌گرایی پس از بحران مالی اخیر، کشورهای در حال توسعه از اقدامات غیرتعرفه‌ای نیز استفاده کرده‌اند. می‌توان در این زمینه به آرژانتین اشاره کرد که ارائه بدون محدودیت مجوز واردات قطعات اتومبیل، تلویزیون، اسباب‌بازی، کفش و محصولات چرمی را متوقف کرده است و یا اندونزی واردات پنج گروه از کالاها را به ورود از پنج بندر و فرودگاه منحصر کرده است. در برخی کشورها مانند چین نیز افزایش سخت‌گیری در استانداردها موجب کندی واردات شده است.

استفاده از یارانه‌های صادراتی توسط کشورها به عنوان یک ابزار حمایت تجاری در مواجهه با بحران مالی بسیار مشخص است و کشورها از قیود پیش‌نویس دور دوحه نیز تخطی کرده‌اند. برای نمونه اتحادیه اروپا یارانه‌های صادراتی جدیدی بر کره، پنیر و شیر خشک اعلام کرده است. همچنین می‌توان به یارانه‌های اعطایی به صنعت خودروسازی اشاره کرد که بسیار افزایش یافته و مجموع یارانه‌های این صنعت در جهان به ۴۸ میلیارد دلار رسیده که اغلب آن (۴۲/۷ میلیارد) مربوط به کشورهای با درآمد بالاست. فقط ایالات متحده به سه شرکت ملی خودروسازی خود ۱۷/۴ میلیارد دلار یارانه داده است.

سهم ابزارهای مختلف حمایتی مورد استفاده کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در نمودار ۱ آمده است:



Source: World Bank Staff Based on Public Information and Published Press Report Exclude Anti-dumping Cases.

نمودار ۱ میزان حمایت‌های تجاری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه پس از بحران مالی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ویژگی بارز روند حمایت‌گرایی ناشی از بحران مالی جهانی آن است که حمایت‌ها در کشورهای توسعه یافته بیشتر متکی بر یارانه است تا موانع گمرکی. در حالی که کشورهای در حال توسعه از همه انواع حمایت استفاده کرده‌اند. البته این اقدامات حمایتی شامل اقدامات ضدقیمت‌شکنی نمی‌شود (Gamberoni & Newfarmer, 2009).

### ۳-۳ سیاست‌های حمایتی تجاری در ایران

برای بررسی سیاست‌های حمایتی تجاری ایران در مقابل واردات به مرور سیاست‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای ایران در سال‌های گذشته می‌پردازیم.

#### ۳-۳-۱ سیاست‌های تعرفه‌ای ایران

به‌منظور نشان دادن سیر تحولات رژیم تعرفه‌ای کشور طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۸۰، اطلاعات مربوط به جدول تعرفه‌های کشور در سال‌های مذکور تهیه و میانگین ساده نرخ‌های تعرفه در هر سال ارائه شده است:

جدول ۱ میانگین نرخ‌های تعرفه اسمی در سال‌های مختلف

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
میانگین کل (درصد)	۹۱/۸	۲۶/۹	۳۰/۸	۲۲/۷	۲۲/۹	۲۶/۵	۲۶/۱۷	۲۵/۱۵

مأخذ: آمار سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۲ از طرح پژوهشی نقش تعرفه‌ها در واردات و نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ و آمار سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۳ از جداول آماری وزارت بازرگانی ضمن بررسی لایحه بودجه ۱۳۸۹ کل کشور، کمیسیون تلفیق، اسفند ۱۳۸۹.

بررسی تاریخی نظام تجاری کشور نشان می‌دهد که سال‌های پس از جنگ با آزادسازی‌های نسبی و تدریجی در حوزه اقتصاد و تجارت توأم گردید. آزادسازی تجاری به شکل تدریجی با موفقیت صورت گرفت زیرا به‌علت استفاده‌های وسیع از ابزارهای غیرتعرفه‌ای در کنترل تجارت خارجی، نرخ‌های تعرفه نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری‌های تجاری عهده‌دار نبودند.

به دنبال بروز مشکلات ارزی و بحران ناشی از افت و تنزل شدید قیمت نفت در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ و متعاقب آن بروز بحران شدید در بازپرداخت وام‌های ارزی، پیگیری سیاست آزادسازی‌های نسبی گذشته در حوزه تجارت دیگر امکان‌پذیر نبود و

برای جلوگیری از افزایش واردات و فشار بر تراز پرداخت‌های کشور، افزایش نرخ‌های تعرفه و استفاده از ابزارهای غیر تعرفه‌ای در کنترل تجارت خارجی مجدداً در دستور کار قرار گرفت و نرخ‌های تعرفه اسمی کشور در سال ۱۳۸۰ به اوج تاریخی خود رسید.

با فروکش کردن بحران‌های فوق، از سال ۱۳۸۱ آزادسازی‌های وسیع تجاری در دستور کار جدی دولت قرار گرفت و اقدامات متعددی (هم در حوزه موانع غیر تعرفه‌ای و هم در حوزه تعرفه‌ها) تحقق یافت که این روند طی سال‌های اخیر با افت و خیزهایی همچنان ادامه داشته است (زاهدطلبان، ۱۳۸۵). و البته همواره نوسان‌های قیمت نفت بر فرازونشیب‌های آزادسازی تجاری مؤثر بوده است.

البته تفاوت نرخ‌های تعرفه‌ای در کشور بالا می‌باشد به طوری که در مورد تعرفه‌های مصوب سال ۱۳۷۹، در حالی که تعرفه‌های اسمی ۴ درصد (معاف از سود بازرگانی) وجود دارد تعرفه‌هایی با نرخ ۴۰۰ درصد نیز دیده می‌شود (جداول آماری وزارت بازرگانی ضمن بررسی لایحه بودجه ۱۳۸۹ کل کشور، کمیسیون تلفیق، اسفند ۱۳۸۹).

با توجه به اینکه معمولاً معافیت‌های مختلفی به برخی واردکننده‌ها (مانند سازمان‌های نظامی، خیریه و غیره) یا منطقه و گمرکات خاص داده می‌شود، نرخ تعرفه در عمل می‌تواند کمتر از میزان تعیین شده رسمی به دست آید. همچنین وزن واردات کالاهای مختلف متفاوت است و اگر متوسط تعرفه بر حسب میانگین وزنی کالاها محاسبه شود نرخ تعرفه دیگری به دست می‌آید. در نتیجه برای درک میزان دقیق‌تر حمایت صورت گرفته از صنایع داخلی و شناخت بهتر از تعرفه‌های اعمالی بهتر است از نرخ متوسط تعرفه‌های واقعی استفاده کنیم.

نرخ متوسط تعرفه‌های واقعی، متوسط نرخ‌های است که به صورت واقعی از واردکنندگان اخذ و از حاصل تقسیم میزان ریالی تعرفه (حقوق ورودی) اخذ شده توسط گمرکات کشور بر ارزش ریالی کل واردات حاصل می‌شود. در مطالعه‌ای که به بررسی نظام تعرفه‌ای کشور پرداخته است، متوسط نرخ تعرفه واقعی طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ محاسبه شده است که خلاصه این نتایج در جدول ۲ ارائه می‌شود:

جدول ۲ میانگین نرخ‌های تعرفه واقعی در سال‌های مختلف

سال	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
متوسط نرخ تعرفه واقعی	۸/۴۴	۶/۹۳	۹/۷۱	۱۲/۴۷	۱۵/۹۹	۲۴/۱۸	۶/۸۲	۸/۵۵	۱۲/۳۷	۱۱/۰۶	۱۱/۷۲	۱۱/۰۹	۱۰/۸

مأخذ: «آمار سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۵ از نقش تعرفه‌ها در واردات و نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی»، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷ و آمار سال ۱۳۸۷ از جداول آماری وزارت بازرگانی ضمن بررسی لایحه بودجه ۱۳۸۹ کل کشور، کمیسیون تلفیق، اسفند ۱۳۸۹.

با توجه به اینکه نرخ تعرفه بالا از نظر سازمان جهانی تجارت، نرخ‌های تعرفه بالای ۱۵ درصد است، بررسی روند نرخ متوسط تعرفه‌های واقعی در این سال‌ها نشان می‌دهد که متوسط نرخ تعرفه واقعی در ایران بالا نیست ولی بررسی کرانه‌های تعرفه‌ای حاکی از تفاوت‌های فاحش میان پایین‌ترین و بالاترین سطوح تعرفه واقعی است؛ به این صورت که در سال ۱۳۸۶، بسیاری از کالاها وجود دارند که به‌طور کلی از حقوق ورودی معاف‌اند ولی کالاهایی نیز وجود دارند که حدود ۸۶۸ درصد ارزش آنها به‌عنوان تعرفه اخذ شده است.

در فصول کالایی برحسب نظام هماهنگ<sup>۱</sup> توصیف و طبقه‌بندی کالاها نیز درحالی که فصلی دارای نرخ حقوق ورودی واقعی ۰/۰۱ درصدی است، وجود فصلی با نرخ تعرفه واقعی ۱۱۰/۳۴ درصدی نشان‌دهنده اختلاف زیاد نرخ تعرفه است. در قسمت‌های کالایی نظام تعرفه‌های ایران نیز، در سال ۱۳۸۶، در کنار قسمت‌هایی با ۳/۸۶ درصد، قسمت‌هایی با ۷۴/۱۷ درصد متوسط نرخ حقوق ورودی واقعی وجود دارند.

این اختلاف‌ها نشان می‌دهد که با وجود متوسط نرخ حقوق ورودی واقعی در ایران در سطح بالایی قرار ندارد ولی نظام تعرفه‌ای کشور از اختلاف شدید کرانه‌های تعرفه‌ای رنج می‌برد.

به‌طور خلاصه فصلی که طی سیزده سال بررسی مطالعه فوق دارای کمترین نرخ‌های

1. The Harmonized Commodity Description and Coding System (HS)

تعرفه واقعی بوده‌اند، عبارت‌اند از: فصل ۳۱ (کودها)، فصل ۴۷ (خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی؛ کاغذ یا مقوا برای بازیافت آخال و ضایعات)، فصل ۹۷ (اشیای هنری، اشیای کلکسیون یا عتیقه)، فصل ۳۰ (محصولات دارویی)، فصل ۲۶ (سنگ فلز، جوش و خاکستر) و فصول دارای بالاترین نرخ‌های تعرفه عبارت‌اند از: فصل ۶۱ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشاف یا غیرقلاب‌باف)، فصل ۶۴ (کفش، گتر و اشیای همانند، اجزای این اشیای)، فصل ۶۳ (سایر اشیای نسجی دوخته و مهیا، مجموعه‌ها، لباس و اشیای نسجی مستعمل، ضایعات و کهنه پارچه‌های نسجی)، فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه)، فصل ۴۲ (اشیای ساخته شده از چرم، مصنوعات زین و برگ‌سازی، لوازم سفر، کیف‌های دستی و محافظه‌هایی همانند، اشیای ساخته شده از روده غیر از اشیای ساخته شده از احشای کرم ابریشم) و فصل ۶۲ (لباس و متفرعات لباس، غیرکشاف یا غیرقلاب‌باف) (تاری و غلامی‌باغی، ۱۳۸۷).

### ۲-۳-۳ سیاست‌های غیرتعرفه‌ای ایران

در رژیم تجاری جمهوری اسلامی ایران پیش از به اجرا درآمدن قانون تجمیع عوارض (۱۳۸۲)، قریب به ۲۴ نوع مالیات و عوارض مختلف کالاهای وارداتی اخذ می‌شد که همگی در قلمرو شبه‌تعرفه‌ها قرار داشته و از مصادیق آن به‌شمار می‌رفتند.

براساس برآوردی که صورت گرفته بود مجموع این عوارض گوناگون چیزی کمتر از حدود ۴ درصد ارزش کالاهای وارداتی را شامل می‌شد و ارزش تعرفه‌ای آن به بیش از ۴ درصد نمی‌رسید، ولی تعدد این نوع عوارض و دیوان‌سالاری شدید ناشی از آن، رژیم تجاری کشور را به یکی از پیچیده‌ترین رژیم‌های تجاری دنیا بدل ساخته بود.

با تصویب قانون معروف به قانون تجمیع عوارض در سال ۱۳۸۱ و اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۸۲، این قبیل مالیات‌ها و عوارض حذف و در عوض نرخ پایه ۴ درصد به‌عنوان حداقل حقوق ورودی (حقوق پایه) تعیین گردید، و بدین ترتیب یکی از وجوه

مهم ناسازگاری‌های رژیم تجاری کشور با ضوابط نظام تجاری چندجانبه برطرف شد. ایران با استناد به ماده (۱۱۵) قانون برنامه سوم، از سال‌های گذشته تاکنون حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی از رژیم تجاری خود را آغاز و دنبال کرده است. به‌طور کلی، سابقه استفاده از انواع حمایت‌ها و موانع تجاری بازدارنده یا محدودکننده از دیرباز در سیاست‌های تجاری ایران وجود داشته و در برخی از مقاطع نیز بسیار تشدید شده است. ایران به سبب عضویت نداشتن در گات و بعدها سازمان جهانی تجارت و نداشتن الزام و تعهد به رعایت مفاد موافقت‌نامه‌ها و تعهدات آزادسازی‌های تجاری ناشی از ادوار مذاکراتی بی‌محابا در این حوزه‌ها با آزادی عمل رفتار کامل کرده است و در طی زمان و گذر ایام به اقتضای سیاست‌های تجاری ملی خود به وضع و اعمال انواع و اقسام قوانین و مقررات تجاری دلخواه خود پرداخته است که بسیاری از آنها با ضوابط نظام تجاری چندجانبه سازگاری چندانی نداشته است یا حتی در تعارض آشکار با آنها قرار دارد. باید دانست که وجه غالب سیاست‌های حمایتی تجاری کشور در سال‌های گذشته در حوزه اقدامات و موانع غیرفنی تجاری از قبیل ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها، سهمیه‌ها، مجوزهای ورود، کنترل‌های ارزی و ... قرار داشته است. ایران در سه دهه گذشته و به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، در تجارت خارجی خود از این ابزارها به‌وفور استفاده کرده و در واقع استفاده وسیع از ابزارهای این حوزه از موانع تجاری، وجه متمایز و غالب سیاست تجاری کشور را طی سالیان دراز تشکیل داده است. به‌عبارت‌دیگر، در رژیم تجاری ایران، رژیم تعرفه‌ای و نرخ‌های تعرفه کشور از نظر قدرت بازدارندگی و تأمین پوشش‌های حمایتی لازم برای تولیدات داخلی هیچ‌گاه به میزان اقدامات متخذه در حوزه موانع غیرتعرفه‌ای نرسیده است.

به‌طور خلاصه، مهم‌ترین تحولاتی را که طی سال‌های اخیر در حوزه موانع غیرتعرفه‌ای به‌وقوع پیوسته است، می‌توان بدین شرح طبقه‌بندی کرد: ۱. حذف شرط عدم ساخت در داخل و دیگر شرایط ورود از جداول تعرفه‌ای، ۲. حذف ممنوعیت‌های خاص

برای ورود برخی از کالاها، ۳. یکسان‌سازی نرخ ارز در تجارت خارجی و حذف سهمیه‌های ارزی، ۴. حذف سهمیه‌های پنهانی و معافیت‌های موردی (زاهدطلبان، ۱۳۸۵).

#### ۴ مشکلات اساسی سیاست حمایتی تجاری ایران

##### ۴-۱ پیش‌بینی ناپذیری نظام تعرفه‌ای و حمایتی

با وجود آنکه برخی ردیف‌های تعرفه‌ای سال‌هاست از حمایت تجاری برخوردارند اما با توجه به اینکه این حمایت‌ها مشروط و مقید به زمان نبوده‌اند در نتیجه صنایع داخلی به این تعرفه‌ها عادت کرده‌اند و هرگونه تلاش در کاهش حمایت‌ها با توجه به میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و اشتغال موجود با مقاومت سیاسی و اجتماعی مواجه می‌شود و بنابراین به جای آنکه روی صنایع کارآمد و یا دارای پتانسیل سرمایه‌گذاری کنیم، سرمایه‌های خود را مجدداً معطوف به صنایع ناکارآمد و ورشکسته می‌کنیم.

اصلی‌ترین مشکل سیاست‌های حمایتی ما عدم پیش‌بینی نظام تعرفه‌ای و حمایتی کشور است. اگر بالاترین حمایت‌های تجاری و غیرتجاری وجود داشته باشد اما اطمینانی نسبت به تداوم آن نباشد این حمایت به سرمایه‌گذاری و تولید منجر نخواهد شد؛ زیرا سرمایه‌گذاری و تولید نیازمند اطمینان از وجود افق زمانی بلندمدت است. بنابراین با وجود اینکه جامعه هزینه حمایت‌های تجاری را با کاهش رفاه پرداخت می‌کند، هدف توسعه تولید داخلی تحقق نمی‌یابد.

شاید بتوان عدم پیش‌بینی نظام تعرفه‌ای کشور را به نامشخص بودن اولویت صنعتی کشور مرتبط دانست؛ زیرا در نظامی که وفاق ملی در مورد استراتژی توسعه آن وجود ندارد هرازگاهی، با تغییر مسئولان اقتصادی و یا افزایش اهمیت یک هدف اقتصادی، حمایت‌ها و تعرفه‌ها دچار نوسانات پیش‌بینی نشده‌ای می‌شود و این نوسانات همان‌طور که ذکر شد به اشتغال، رفاه و قدرت اقتصادی کشور به شدت ضربه می‌زند. به عبارت دیگر حمایت از تولید بدون یک اولویت صنعتی مشخص به همان میزان ناکارآمد است، که حمایت نکردن از



تولید داخلی می‌تواند اقتصاد کشور را با بحران بیکاری و رکود فعالیت‌های اقتصادی مواجه سازد.

طرح استراتژی توسعه صنعتی می‌توانست نسخه ابتدایی از این اولویت‌ها برای ایجاد وفاق ملی در مورد آنها و سیاستگذاری مبتنی بر آن ارائه کند اما تدوین کنندگان آن فقط به آن بخش از ادبیات اقتصادی، آن هم فارغ از فرضیه‌های غیرواقعی آن، توجه کردند که به آزادسازی تجاری و رد اولویت صنعتی می‌پرداخت و بدین ترتیب یک فرصت تاریخی از کشور گرفته شد. در تبیین برخی تلاش‌های صورت گرفته برای اولویت صنعتی می‌توان به سه مطالعه ذیل پرداخت:

۱. میرجلیلی با معرفی و تبیین لزوم اتخاذ سیاست راهبردی تجاری و مرور تجربه جهانی آن، به معرفی معیارها و شاخص‌هایی برای انتخاب صنایع راهبردی در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. وی صنایع را برحسب کد دو رقمی براساس ۹ شاخص با به کارگیری روش تاکسونومی عددی برای خلق مزیت در صادرات صنعتی کشور رتبه‌بندی کرده است که سه صنعت: تولید فلزات اساسی (کد ۲۷)، تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی (کد ۲۶) و تولید مواد و محصولات شیمیایی (کد ۲۴) انتخاب شدند (میرجلیلی، ۱۳۸۰).

۲. مطالعه دیگری با تکیه بر نظریه رشد نامتعادل هیرشمن که در مقابل نظریه رشد متوازن و برای کشورهای در حال توسعه مطرح شده، به لزوم تعیین بخش‌های پیش‌تاز و اولویت‌بندی صنعتی تأکید کرده است. در این مطالعه با روش فرایند تحلیل سلسه‌مراتبی<sup>۱</sup>، با معرفی ۱۰ شاخص و با استفاده از کدهای سه رقمی طبقه‌بندی ISIC<sup>۲</sup> سه صنعت: تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر (کد ۲۶۹)، تولید سایر محصولات غذایی (کد ۱۵۴) و ریسندگی و بافندگی (کد ۱۷۱) به‌عنوان سه گزینه برتر گروه صنعتی معرفی شده است (معصوم‌زاده و تراب‌زاده، ۱۳۸۳).

---

1. Analytical Hierarchy Process  
2. International Standard Industrial Classification (ISIC)

۳. در مطالعه دیگری با مرور نظریه‌های تجارت از مرکانتیلیست‌ها تا هکشر - اوهلین به نقاط ضعف نظریه اخیر در تبیین واقعیت‌های فضای اقتصادی پرداخته و بر نظریه مزیت رقابتی ملل<sup>۱</sup> تأکید کرده است (عابدین مقانکی، ۱۳۸۵).

بر اساس نتایج این مطالعه صنایع تولید فرآورده‌های کوره کک، تولید مواد شیمیایی اساسی غیر از کود و ترکیبات ازت و تولید دیگر محصولات فلزی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر سه صنعت دارای رقابت‌پذیری بالای کشور در بازارهای جهانی طی سال ۱۳۸۲ تعیین شده‌اند (همان: ۱۴۱).

هرچند این تلاش‌های پراکنده در تبیین اولویت‌های صنعتی کشور صورت گرفته است اما فارغ از این بحث که این مطالعات برای اجرا صورت نگرفته و بیشتر جنبه آکادمیک داشته‌اند؛ دارای این ضعف نیز هستند که بیشتر از رویکردهای گذشته‌نگر و یا مبتنی بر وضعیت فعلی استفاده کرده‌اند؛ حال آنکه برای تعیین این اولویت‌ها بهتر است از رویکردهای آینده‌نگر که مبتنی بر روندهای آتی جهان خصوصاً روندهای آتی فناوری است و با توجه به ارزش‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی صورت گیرد تا بیشتر به خلق مزیت نسبی، نه اتکا به مزیت‌های موجود، پردازد.

## ۲-۴ عدم پیش‌بینی‌ناپذیری نظام ارزی و نرخ ارز

برقرار نشدن نظام ارزی مشخص و مورد اعتماد را نیز باید از مشکلات اساسی ناکارآمدی حمایت‌های تجاری کشور دانست. همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد تغییر نرخ ارز بر میزان حمایت‌های تجاری تأثیر می‌گذارد، بنابراین زمانی می‌توان به اتکای حمایت‌های تجاری به تولید در کشور پرداخت که نوسانات حمایت‌های تجاری به دلیل نوسانات نرخ ارز محدود و پیش‌بینی‌پذیر باشد.

اهمیت و تأثیر بالای نرخ ارز بر صادرات و واردات ایران به حدی است که گروهی

آن را مهم‌ترین عامل در تبیین تحولات صادرات و واردات کشور دانسته‌اند. بنابراین زمانی می‌توان به طراحی نظام تعرفه‌ای پیش‌بینی‌پذیر و کم‌نوسان امیدوار بود که ابتدا نظام ارزی مشخص و پیش‌بینی شده‌ای داشته باشیم و شاید به همین دلیل است که یکی از الزامات الحاق به سازمان جهانی تجارت یکسان‌سازی نرخ ارز است.

در کشور ما از سال ۱۳۸۱ نرخ ارز یکسان شده و در برنامه چهارم توسعه نیز بر کنترل نوسانات شدید نرخ ارز و سیاست یکسان‌سازی آن تأکید شده است و نظام ارزی کشور رسماً نظام شناور مدیریت شده اعلام شد که نرخ ارز باید با توجه به سازوکار عرضه و تقاضا و ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاه‌های صادرکننده تعیین شود<sup>۱</sup> اما در عمل این‌گونه نیست. تفاوت میان نرخ ارز اسمی و حقیقی را می‌توان به‌عنوان یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده تعیین دستوری ارز قلمداد کرد که در جدول ۳ مشاهده می‌شود:

جدول ۳ نرخ ارز حقیقی در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۸

(ریال به‌ازای هر دلار)

سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
نرخ ارز اسمی	۱۷۵۵	۱۷۵۵	۱۷۵۵	۷۹۵۸	۸۲۸۲	۸۷۱۹
نرخ ارز حقیقی	۹۴۳۲	۸۱۸۸	۷۳۹۴	۶۴۹۵	۵۹۶۵	۵۳۹۸

مأخذ: بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی و بررسی بازار ارز در کشور طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۹، نشریه برنامه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، شماره ۲۳۰.

اگر نرخ ارز ثابت نگاه داشته شود اما هر لحظه امکان داشته باشد که این نرخ تغییر کند و قابل پیش‌بینی‌پذیر نیز نباشد، در اصل آن نرخ ثابت نمی‌ماند و بالتبع حمایت‌های تجاری نیز به حمایت‌هایی شکننده و غیرقابل اتکا تبدیل می‌شوند.

۱. بند «الف» ماده (۴۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام).

## ۵ مقایسه نظام تعرفه‌ای ایران با کشورهای عمده طرف تجاری

برای مقایسه وضعیت فعلی نظام تعرفه‌ای ایران نسبت به کشورهای سازمان جهانی تجارت از خلاصه‌های نظام‌های تعرفه‌ای استفاده می‌کنیم که این سازمان برای کشورهای عضو و ناظر خود در سال ۲۰۰۸ تهیه کرده است.

در این خلاصه نظام‌های تعرفه‌ای، سازمان جهانی تجارت کالاها را دسته‌بندی کرده است، که با دسته‌بندی نظام هماهنگ<sup>۱</sup> یکسان نیست. این دسته‌بندی که به دسته‌بندی مذاکرات تجاری چندجانبه<sup>۲</sup> شهرت دارد ابتدا در دور توکیو مذاکرات گات تعریف شد و در دور اروگوئه با نظام هماهنگ منطبق شد. با توجه به اینکه خلاصه‌ها در مورد تمام کشورهای عضو این دسته‌بندی به شکل یکسان به کار برده شده است می‌توان از بررسی آنها شناختی از وضعیت نظام تعرفه‌ای ایران به دست آورد.

در انتخاب کشورهای مورد بررسی، هم آن دسته از کشورها انتخاب شد که خود سازمان جهانی تجارت در خلاصه نظام تعرفه ایران به عنوان بازار اصلی صادرات کشاورزی و غیرکشاورزی کشور نام برده است و هم با توجه به آمار سال ۱۳۸۷ گمرک ایران<sup>۳</sup>، به پانزده کشور اصلی که ایران بیشترین واردات را از آنها داشته، توجه شده است تا کشورهای عمده طرف تجاری ایران مورد مطالعه قرار گیرند.

کشورهای آلمان، انگلیس و اتریش از کشورهای عمده تجاری همگی عضو اتحادیه اروپا و دارای نظام تعرفه‌ای یکسان‌اند. هنگام کنگ نیز دارای تعرفه‌های تثبیتی و مورد عمل صفر است و در اصل کل کشور منطقه آزاد تجاری است و در نتیجه از کشورهای مورد بررسی خارج می‌شود و به جای آن کشور مالزی، با توجه به سطح توسعه نزدیک ایران، به مطالعه اضافه شد.

بدین ترتیب کشورها و محدوده‌های گمرکی شامل: اتحادیه اروپا، چین، هند، جمهوری

1. Harmonized System

2. Multilateral Trade Negotiation (MTN) Categories

۳. اطلاعات مندرج در لوح فشرده پیوست نامه گمرک جمهوری اسلامی ایران به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

کره، روسیه، تایلند، امارات، ترکیه، عربستان سعودی، آذربایجان، قزاقستان، ژاپن، چین تایپه، سوئیس و مالزی به‌عنوان کشورهای مورد مطالعه این مقاله انتخاب شدند.

در این میان کشورهای روسیه، آذربایجان و قزاقستان همانند ایران عضو ناظر سازمان جهانی تجارت‌اند و بنابراین دارای تعرفه تثبیتی نیستند اما در مطالعه و در محاسبه متوسط میانگین تعرفه‌های تثبیتی این کشورها در هر طبقه، تعرفه مورد عمل این سه کشور نیز به‌عنوان تعرفه تثبیتی در نظر گرفته شد. نتایج حاصل از مقایسه میانگین تعرفه‌های هر طبقه تعرفه‌ای ایران با کشورهای مورد بررسی در ذیل آمده است:

#### ۱-۵ میانگین تعرفه محصولات حیوانی

میزان میانگین تعرفه محصولات حیوانی در ایران در سال ۲۰۰۸ برابر با ۲۹/۶ درصد بوده است که در مقایسه با تعرفه میانگین در کشورهای عمده طرف تجاری، مشاهده می‌شود که کشورهای هند، ترکیه و سوئیس دارای تعرفه‌های تثبیتی بسیار بالا (۱۰۵، ۱۳۸/۵ و ۱۶۴/۲) می‌باشند. در مقابل کشورهایمانند عربستان، آذربایجان، چین و قزاقستان با میانگین تعرفه‌ای حدود ۱۴ درصد تعرفه‌های پایین‌تری دارند و به‌نظر می‌رسد که میانگین تعرفه ایران در این محصولات، تعرفه متوسط و مقبولانه‌ای است و به میانگین تعرفه تثبیتی اتحادیه اروپا، کره، تایلند، مالزی و امارات نزدیک است.

البته در بررسی تعرفه مورد عمل کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۸، می‌توان متوجه شد که تعرفه مورد عمل محصولات حیوانی همه این کشورها کمتر از تعرفه‌های تثبیتی آنهاست. این موضوع خصوصاً در مورد کشورهای هند، امارات، مالزی و عربستان آشکارتر است که دارای میانگین تعرفه تثبیتی به ترتیب برابر با ۱۰۵، ۳۷/۸، ۳۴/۴ و ۱۳ هستند و در سال ۲۰۰۸ تعرفه‌هایی به ترتیب به میزان ۳۱/۶، ۳/۴، ۰/۵ و ۳/۳ اعمال کرده‌اند.

بدین ترتیب تعرفه مورد عمل ایران در سال ۲۰۰۸ (۲۹/۶) در حدود متوسط میانگین تعرفه‌های مورد عمل کشورهای مورد بررسی (۳۲/۰۶) است.

## ۲-۵ میانگین تعرفه محصولات لبنی

در مقایسه میانگین تعرفه محصولات لبنی تعرفه ایران ۳۴/۶ است که کمتر از متوسط نرخ‌های تثبیتی کشورهای مورد بررسی ۵۵/۰۸ است.

کشورهایی مانند اتحادیه اروپا، هند و کره میانگین تعرفه‌ای حدود ۶۵ درصد دارند و کشورهای ترکیه و سوئیس نیز تعرفه‌های ۱۶۵/۸ و ۱۶۸/۴ دارند اما در مقابل، تعرفه تثبیتی کشورهای امارات، روسیه و چین حدود ۱۵ درصد است. تعرفه‌های کشورهای تایلند و مالزی نزدیک به ایران است. میانگین تعرفه‌ای مورد عمل این کشورها در سال ۲۰۰۸ به جز کشورهای مالزی، هند، تایلند و امارات نزدیک به نرخ‌های تثبیتی آنهاست.

## ۳-۵ میانگین تعرفه میوه‌ها، سبزیجات و گیاهان

در مورد میوه‌ها، سبزیجات و گیاهان میانگین تعرفه‌ای مورد عمل ایران ۳۵/۵ درصد است که پایین‌تر از ۳۷/۲۹ متوسط میانگین تعرفه‌های تثبیتی این محصولات در کشورهای عمده طرف تجاری است.

در مورد این طبقه تعرفه‌ای، کشور مالزی با تعرفه ۱۴۸/۱ درصد بالاترین میزان تعرفه را داراست و کشورهای هند و تایلند نیز دارای تعرفه‌های بالایی به ترتیب برابر با ۱۰۰/۸ و ۵۳/۲ می‌باشند. کمترین تعرفه‌های این طبقه متعلق به ژاپن و اتحادیه اروپا با تعرفه‌های ۱۰/۳ و ۱۰/۷ است.

در سال ۲۰۰۸، بیشتر کشورها میانگین تعرفه‌های مورد عمل نزدیک به تعرفه‌های تثبیتی دارند. کشورهای مالزی، امارات، عربستان و تایلند کاهش چشمگیری در تعرفه خود اعمال کرده‌اند اما بیشترین کاهش در عمل برای میانگین تعرفه‌ای کشور هند است که تعرفه آن به ۳۰/۸ رسیده است.

## ۴-۵ میانگین تعرفه چای و قهوه

تعرفه چای و قهوه ایران در سال ۲۰۰۸ برابر با ۳۱/۶ است که این تعرفه تقریباً برابر با

\_\_\_\_\_ بررسی و مقایسه سیاست‌های حمایتی تجاری ایران با کشورهای ... ۱۲۵

متوسط تعرفه‌های تثبیتی کشورهای عمده طرف تجاری ۳۱/۷۷ در این طبقه تعرفه‌ای است. در این طبقه نیز بالاترین تعرفه‌ها برای کشورهای هند و ترکیه با ۱۳۳/۱ و ۸۰/۲ و کمترین میزان تعرفه برای اتحادیه اروپا با ۶/۹ تعیین شده است. تعرفه‌های اعمالی در سال ۲۰۰۸ کشورهای هند، ترکیه و کره که تعرفه بالا داشته‌اند نسبت به تعرفه‌های تثبیتی آنها تقریباً نصف شده و تعرفه کشورهای تایلند، مالزی و عربستان نیز مطابق اکثر طبقات تعرفه‌ای این کشورها کاهش یافته است. بدین ترتیب متوسط میانگین تعرفه‌های مورد عمل به ۱۸/۰۹ رسیده است.

#### ۵-۵ میانگین تعرفه غلات

در مورد غلات نیز وضعیت کاملاً مشابه چای و قهوه است و نرخ تعرفه ۳۶/۸ درصدی ایران کمتر از متوسط میانگین تعرفه‌های این کشورها ۴۶/۹۹ است. کشورهای ترکیه، هند و کره مجدداً بالاترین تعرفه‌ها و قزاقستان و عربستان کمترین تعرفه‌ها را دارند. در عمل نیز اکثر کشورها خصوصاً کشورهای دارای تعرفه بالای تثبیتی تعرفه‌های مورد عمل پایین‌تری دارند و متوسط میانگین تعرفه‌ها به ۳۰/۲۷ رسیده است.

#### ۵-۶ میانگین تعرفه دانه‌های روغنی، چربی‌ها و روغن‌ها

میانگین تعرفه ایران در مورد دانه‌های روغنی، چربی‌ها و روغن‌ها ۱۹/۵ است که وضعیت مناسبی نسبت به متوسط تعرفه‌های تثبیتی کشورهای مورد بررسی ۳۲/۹۱ است. در میان کشورها، هند با میانگین ۱۶۸/۹ درصد بالاترین تعرفه را دارد و مالزی، کره و تایلند دارای تعرفه متوسط هستند. اتحادیه اروپا با ۵/۶ درصد پایین‌ترین تعرفه تثبیتی را دارد اما در عمل در سال ۲۰۰۸ تعرفه ۶ درصدی و بالاتر از نرخ تثبیتی‌اش وضع کرده است. اکثر کشورها تعرفه‌های پایین‌تری در عمل داشته‌اند که تعرفه ۴۸/۸ درصدی هند و ۱/۷ درصدی مالزی قابل توجه است.

### ۷-۵ میانگین تعرفه شکر و شیرینی

ایران در مورد شکر و شیرینی میانگین تعرفه‌ای معادل ۲۳/۳ وضع کرده است. متوسط میانگین تعرفه‌های تثبیتی این طبقه برای کشورهای طرف تجاری ۴۰/۲۰ و تعرفه‌های مورد عمل آنها ۲۵/۰۶ است.

هند و ترکیه با تعرفه‌های تثبیتی ۱۲۴/۷ و ۱۱۴/۸ بالاترین تعرفه‌ها و قزاقستان و عربستان با حدود ۱۱ درصد پایین‌ترین نرخ تعرفه‌ها را دارند. در عمل هند تعرفه میانگین خود را تا ۳۴/۴ کاهش داده و ترکیه تنها تا ۱۰۳/۲ پایین آمده است.

### ۸-۵ میانگین تعرفه نوشیدنی‌ها و دخانیات

در این طبقه ایران تعرفه ۳۴/۲ را رعایت می‌کند که بسیار پایین‌تر از متوسط تعرفه تثبیتی کشورها ۸۱/۰۶ است. در این طبقه تعرفه‌های تثبیتی بالایی خصوصاً توسط کشورهای هند، امارات و عربستان تعیین شد اما مالزی با تعرفه تثبیتی ۳۲۷/۶ بالاترین تعرفه تعیین شده را دارد. در سال ۲۰۰۸، تعرفه مورد عمل کشورهای با تعرفه بالا تقریباً نصف شده و متوسط تعرفه‌ها به ۴۳/۳۵ رسیده است.

### ۹-۵ میانگین تعرفه پنبه

در مورد پنبه تعرفه مورد عمل ایران ۳۰ درصد است که حدود دو برابر میانگین تعرفه‌های تثبیتی این کشورها ۱۲/۹۷ و بالاست. در این طبقه تعرفه‌ای شش کشور دارای معافیت تعرفه‌ای هستند و فقط کشور هند تعرفه بالای ۱۱۰ درصد را تعیین کرده است، مابقی کشورها تعرفه پایینی دارند.

با نگاهی به تعرفه‌های مورد عمل این کشورها مشاهده می‌شود که در سال ۲۰۰۸ کشورهای دارای معافیت تعرفه‌ای به ده کشور ارتقا یافته و هند نیز تعرفه خود را به ۱۷ درصد رسانده است. در نتیجه متوسط تعرفه‌های در عمل این کشورها به ۴/۱۳ تقلیل یافته است.



#### ۱۰-۵ میانگین تعرفه دیگر محصولات کشاورزی

دیگر محصولات کشاورزی، براساس طبقه‌بندی سازمان جهانی تجارت در ایران با میانگین تعرفه ۱۷/۹ درصد مواجه است که پایین‌تر از متوسط میانگین تعرفه‌های تثبیتی کشورهای مورد مطالعه ۱۹/۲۳ است. در مورد این محصولات نیز هند با ۱۰۴/۱ درصد بالاترین تعرفه و تایلند و ترکیه مقام‌های بعدی را دارند. کمترین تعرفه‌ها نیز متعلق به چین تایپه ۳/۵، ژاپن ۴/۵ و اتحادیه اروپا ۵/۱ است. تعرفه‌های مورد عمل خصوصاً در هند کاهش یافته و متوسط تعرفه این کشورها به ۸/۷۱ رسیده است.

#### ۱۱-۵ میانگین تعرفه ماهی و محصولات دریایی

درحالی‌که تعرفه ماهی و محصولات دریایی ایران ۱۷/۷ درصد است تعرفه‌های تثبیتی کشورها، به جز هند با ۱۰۰/۷ و ترکیه با ۵۱/۵، زیر ۱۵ درصد می‌باشد. در سال ۲۰۰۸، با کاهش تعرفه‌های دو کشور فوق متوسط میانگین تعرفه‌های مورد عمل این کشورها از ۲۰/۲۲ تثبیتی به ۱۲/۵۳ رسیده است.

#### ۱۲-۵ میانگین تعرفه محصولات معدنی و فلزی

در مورد محصولات معدنی و فلزی میانگین تعرفه ایران ۱۵/۵ است که تقریباً به میانگین تعرفه‌های تثبیتی این کشورها ۱۱/۸۳ نزدیک است. هند و تایلند با ۳۸/۳ و ۲۴/۸ بالاترین تعرفه‌های تثبیتی این گروه و ژاپن با میانگین تعرفه ۱، سوئیس با میانگین تعرفه ۱/۷ و اتحادیه اروپا با میانگین تعرفه ۲ پایین‌ترین تعرفه را دارند. با کاهش تعرفه‌های مورد عمل، متوسط میانگین این تعرفه‌ها در سال ۲۰۰۸ به ۵/۶۰ رسیده است.

#### ۱۳-۵ میانگین تعرفه نفت خام

ایران تعرفه پایین ۷ درصد را برای نفت خام در نظر گرفته که کمتر از متوسط تعرفه‌های تثبیتی این کشورها ۱۰/۴۰ است. امارات با ۱۵ بالاترین تعرفه این محصول و تایلند و هند با

معافیت تعرفه‌ای کمترین تعرفه را دارند. در حالی که اکثر کشورها در سال ۲۰۰۸ تعرفه مورد عملی پایین‌تر از تعرفه تثبیتی اعمال کرده‌اند اما کشورهای هند و تایلند معافیت تعرفه‌ای خود را با تعرفه‌های ۸/۹ و ۹/۴ درصدی جایگزین کرده‌اند. البته کشور سوئیس برای این محصول معافیت تعرفه‌ای در نظر گرفته است. در مجموع، متوسط تعرفه‌های مورد عمل سال ۲۰۰۸ برابر با ۴/۶۱ است.

#### ۱۴-۵ میانگین تعرفه مواد شیمیایی

در ایران، واردات مواد شیمیایی با میانگین تعرفه ۱۲ درصد مواجه است که تقریباً با متوسط تعرفه‌های تثبیتی این کشورها ۱۰/۰۵ برابر است. در میان کشورهای مورد بررسی هند با ۳۹/۵ و تایلند با ۲۹/۷ بالاترین تعرفه‌ها و سوئیس با تعرفه ۱/۲ و ژاپن با تعرفه ۲ درصد دارای پایین‌ترین نرخ تعرفه‌اند. تعرفه‌های مورد عمل کشورها در سال ۲۰۰۸ کاهش داشته و به متوسط ۴/۵۷ رسیده است.

#### ۱۵-۵ میانگین تعرفه چوب، کاغذ و غیره

طبقه چوب، کاغذ و غیره در ایران دارای تعرفه ۲۰/۷ درصدی است که تعرفه بالایی نسبت به متوسط تعرفه‌های تثبیتی این کشورها ۱۱/۷۷ محسوب می‌شود. هند و ترکیه باز هم دارای بالاترین تعرفه‌ها (حدود ۳۵ درصد) هستند که با کاهش تعرفه آنها و نیز تعرفه مالزی، متوسط تعرفه مورد عمل این کشورها در سال ۲۰۰۸ برابر با ۵/۶۵ بوده است. چین تاپه با تعرفه تثبیتی و مورد عمل ۰/۵ و ژاپن و اتحادیه اروپا با تعرفه‌های تثبیتی و مورد عمل ۰/۹ پایین‌ترین تعرفه را دارند و جالب است که تعرفه مورد عمل ترکیه در سال ۲۰۰۸ نیز ۰/۹ است.

#### ۱۶-۵ میانگین تعرفه منسوجات

در ایران تعرفه مورد عمل منسوجات در سال ۲۰۰۸ برابر با ۴۵/۱ درصد بوده است که تعرفه بسیار بالایی است. متوسط تعرفه تثبیتی کشورهای مورد بررسی ۱۵/۱۵ بوده است. کشورهای

\_\_\_\_\_ بررسی و مقایسه سیاست‌های حمایتی تجاری ایران با کشورهای ... ۱۲۹

هند، تایلند و ترکیه دارای بالاترین تعرفه‌های تثبیتی این طبقه با تعرفه‌های ۴۰/۳، ۲۸/۳ و ۲۴/۴ بوده‌اند. با مشاهده تعرفه‌های مورد عمل این کشورها متوجه آزادسازی تجاری بیشتر طی این سال‌ها می‌شویم. به طوری که متوسط میانگین تعرفه‌های مورد عمل ۹/۰۱ است.

#### ۱۷-۵ میانگین تعرفه پوشاک

بالاترین نرخ تعرفه ایران متعلق به طبقه تعرفه‌ای پوشاک و برابر با ۱۰۰ درصد است که تعرفه بسیار بالایی است. در میان کشورهای عمده طرف تجاری ایران بالاترین تعرفه تثبیتی پوشاک را هند با ۴۳/۵ و کره با ۲۸/۳ دارا هستند. سوئیس با تعرفه ۶/۴، کشور غیرعضو قزاقستان با ۷/۱ و کشورهای مالزی و امارات با ۱۵ درصد کمترین تعرفه‌های پوشاک را دارند. تمامی کشورهای عضو تعرفه مورد عمل خود در این دسته از محصولات نیز کاهش داده‌اند و متوسط تعرفه‌ها از ۱۸/۵۱ به ۱۳/۱۴ رسیده است.

#### ۱۸-۵ میانگین تعرفه چرم، کفش و غیره

ایران در مورد طبقه چرم، کفش و غیره نیز میانگین تعرفه بالایی (۴۷/۹) اعمال کرده، در حالی که متوسط تعرفه‌های تثبیتی این کشورها ۱۴/۴۹ است. هند و تایلند با حدود ۳۵ درصد تعرفه بالاترین تعرفه‌های تثبیتی را داشته‌اند. کشورها در مورد این طبقه تعرفه‌ای نیز به کاهش تعرفه‌ها مبادرت ورزیده‌اند که کاهش تعرفه کشور ترکیه از ۲۲/۳ درصد تثبیتی به ۴/۱ درصد مورد عمل چشمگیرتر است.

#### ۱۹-۵ میانگین تعرفه ماشین‌های غیرالکتریکی

میانگین تعرفه ماشین‌های غیرالکتریکی ایران ۱۱/۸ است که نزدیک به متوسط تعرفه‌های کشورهای عمده تجاری ۸/۵۲ است. هند بالاترین تعرفه ۲۸/۲ و ژاپن با معافیت حقوقی ورودی و سوئیس و اتحادیه اروپا با تعرفه‌های ۰/۵ و ۱/۷ درصد کمترین تعرفه‌ها را دارند.

تعرفه‌های مورد عمل کشورها به‌خصوص هند و تایوان در سال ۲۰۰۸ بسیار کمتر از تعرفه‌های تثبیتی بوده و متوسط تعرفه کشورها را از به ۳/۷۸ درصد رسانده است.

#### ۲۰-۵ میانگین تعرفه ماشین‌های الکتریکی

واردات ماشین‌های الکتریکی به ایران با میانگین تعرفه‌ای برابر با ۲۲/۱ درصد است که بیش از دو برابر متوسط تعرفه‌های میانگین تثبیتی این کشورها ۹/۲۶ است. هند با ۲۶/۸ بالاترین تعرفه این طبقه و ژاپن با ۰/۲، سوئیس با ۱ و اتحادیه اروپا با ۲/۴ درصد پایین‌ترین تعرفه‌ها را دارند. البته اتحادیه اروپا و چین هر کدام ۲/۰ درصد به تعرفه تثبیتی خود در عمل افزوده‌اند اما به‌دلیل کاهش تعرفه اکثر این کشورها متوسط تعرفه‌های مورد عمل به ۵/۰۱ درصد رسیده است.

#### ۲۱-۵ میانگین تعرفه ادوات حمل‌ونقل

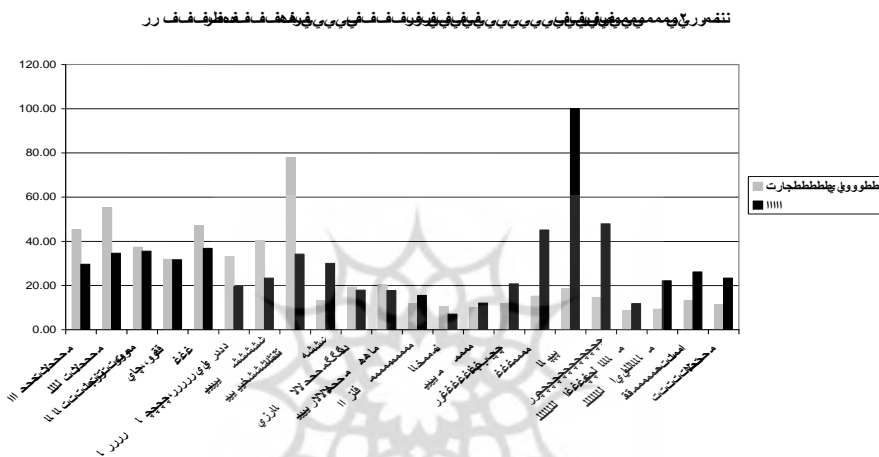
در مورد ادوات حمل‌ونقل نیز تعرفه‌ای معادل ۲۶/۱ درصد در ایران اعمال می‌شود که بالاتر از متوسط تعرفه‌های تثبیتی کشورهای عمده طرف تجاری کشور ۱۳/۰۰ است. تایلند با ۴۸/۳ درصد تعرفه و ژاپن با معافیت تعرفه‌ای بالاترین و پایین‌ترین میزان این تعرفه‌ها را دارند. به‌جز چهار کشور سوئیس، تایلند، هند و امارات که به کاهش تعرفه پرداخته‌اند، دیگر کشورها تعرفه مورد عملی تقریباً معادل تعرفه‌های تثبیتی خود اعمال کرده‌اند.

#### ۲۲-۵ میانگین تعرفه محصولات صنعتی

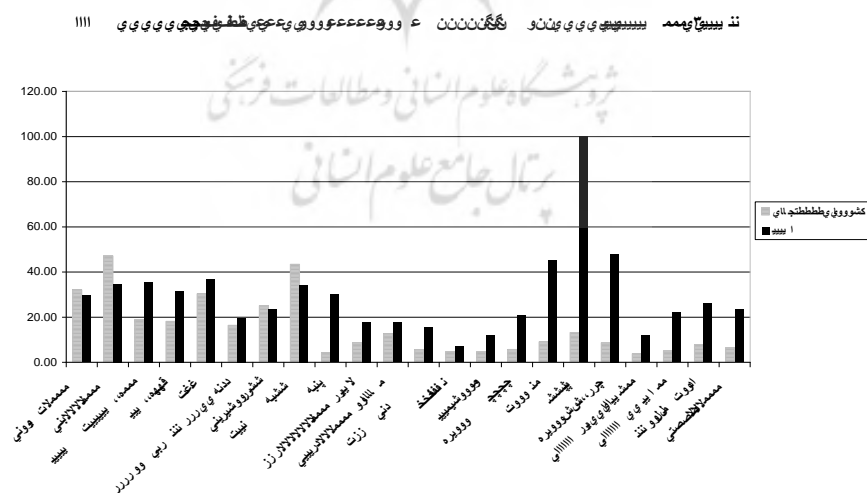
در مورد آخرین طبقه تعرفه‌ای براساس تقسیم‌بندی سازمان جهانی تجارت یعنی محصولات صنعتی تعرفه ایران معادل ۲۳/۳ است که بالاتر از متوسط تعرفه تثبیتی این کشورها ۱۱/۲۶ است. هند در این طبقه تعرفه‌ای نیز بالاترین تعرفه ۳۱/۴ را دارد و ژاپن با ۱ درصد تعرفه کمترین تعرفه را اعمال کرده است. اکثر کشورها از جمله کشورهای دارای تعرفه بالا به آزادسازی تجاری پرداخته‌اند و متوسط تعرفه‌ها به ۶/۳۹ رسیده است که رقم بسیار پایینی

بررسی و مقایسه سیاست‌های حمایتی تجاری ایران با کشورهای ... ۱۳۱

خصوصاً در مقایسه با تعرفه ایران است. برای مقایسه تعرفه‌های مورد عمل ایران در سال ۲۰۰۸ (در آستانه فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت) با تعرفه‌های مورد عمل کشورهای عمده طرف تجاری کشور می‌توان از نمودار ۲ استفاده کرد:



نمودار ۲ مقایسه تعرفه‌های ایران و میانگین تعرفه‌های تثبیتی کشورهای عمده طرف تجاری



نمودار ۳ مقایسه تعرفه‌های ایران و میانگین تعرفه‌های مورد عمل کشورهای عمده طرف تجاری

در سال ۲۰۰۸

## ۶ نتایج مقایسه نظام تعرفه‌های ایران

۱. سیاست‌های حمایتی و آزادسازی تجاری امروزه جای خود را به سیاست‌های حمایتی هدف‌دار و برنامه‌ریزی شده و محدود داده است.
۲. در هدف‌گذاری سیاست حمایتی باید سیاست راهبردی مشخص و کارشناسی وجود داشته باشد.
۳. در حال حاضر، با وجود برخی مطالعات، سیاست تجاری کشور فاقد یک پشتوانه علمی قطعی شده و مشخص است.
۴. بررسی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که راهبرد تجاری می‌تواند با وجود موافقت‌نامه‌های تجاری سازمان جهانی تجارت و مجازات‌های تخطی از آنها، اجرا قرار شود.
۵. متوسط نرخ تعرفه‌های اعمال شده در گروه‌های مختلف کالاها و خدمات می‌تواند به نوعی بیانگر راهبرد واقعی تجاری کشور باشد.
۶. در مقایسه نرخ تعرفه کشورهای مورد بررسی متوجه می‌شویم که نرخ تعرفه تثبیتی کشورهای هند و ترکیه در اکثر طبقات تعرفه‌ای از متوسط میانگین تعرفه کشورهای مورد مطالعه بالاتر بوده است. کشور هند فقط در مورد طبقه تعرفه‌ای نفت خام دارای نرخ تعرفه پایین‌تر از متوسط تعرفه‌هاست.
۷. اتحادیه اروپا و ژاپن نیز از مناطق گمرکی هستند که در اکثر طبقات تعرفه‌ای، تعرفه‌های تثبیتی و مورد عملی پایین‌تر از متوسط تعرفه کشورها و معمولاً کمترین تعرفه را دارند. اما اتحادیه اروپا در مورد طبقات تعرفه‌ای محصولات حیوانی، محصولات لبنی، شکر و شیرینی و لبنیات دارای تعرفه بالایی است و این در کشور ژاپن و در زمینه طبقات تعرفه‌ای محصولات لبنی، غلات، شکر و شیرینی و نفت خام صادق است.
۸. آزادسازی تجاری در کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت کاملاً مشهود است و میانگین تعرفه‌های مورد عمل نسبت به میانگین تعرفه‌های تثبیتی در اکثر طبقات تعرفه‌ای و کشورها کاهش یافته است. در این موضوع کشوری مانند امارات بسیار بارز است. این

کشور که اکثر طبقات تعرفه‌ای خود را (به‌جز نوشیدنی‌ها و دخانیات) با تعرفه‌هایی حدود ۱۵ درصد تثبیت کرده بود، در عمل نیز تعرفه‌هایی حدود ۵ درصد اعمال می‌کند. ۹. با توجه به میانگین تعرفه‌های ایران و کشورهای عمده طرف تجاری این کشور می‌توان در مجموع وضعیت تعرفه‌های ایران را در این ۲۲ طبقه تعرفه‌ای با توجه به ملاک مطابقت با قواعد سازمان جهانی تجارت و در مقایسه با کشورهای عمده طرف تجاری به سه گروه ذیل تقسیم کرد:

**گروه اول:** طبقات تعرفه‌ای محصولات لبنی، شکر و شیرینی، نوشیدنی‌ها و دخانیات را شامل می‌شود که در آنها ایران دارای میانگین تعرفه‌ای کمتر از متوسط میانگین تعرفه‌های تثبیتی و مورد عمل کشورهای عمده طرف تجاری بوده است. بنابراین با توجه به آزادسازی‌های مورد نظر سازمان جهانی تجارت، در این طبقات تعرفه‌ای ایران وضعیت مطلوبی دارد.

**گروه دوم:** شامل برخی از طبقات تعرفه‌ای است که ایران تعرفه‌ای کمتر از متوسط میانگین تعرفه تثبیتی کشورهای مورد بررسی دارد اما تعرفه‌های این کشور از متوسط میانگین تعرفه‌های مورد عمل آن کشورها بالاتر است. با توجه به اینکه با کشورهایی که تازه به سازمان جهانی تجارت می‌پیوندند سخت‌گیرانه‌تر برخورد می‌شود، کشور باید آمادگی لازم را نسبت به کاهش تعرفه این محصولات کسب کند.

طبقات تعرفه‌ای این گروه عبارت‌اند از: محصولات حیوانی، میوه‌ها، سبزیجات و گیاهان، چای و قهوه، غلات، دانه‌های روغنی، چربی‌ها و روغن‌ها، دیگر محصولات کشاورزی، ماهی و محصولات دریایی.

**گروه سوم:** طبقات تعرفه‌ای را دربرمی‌گیرد که در آنها ایران در سال ۲۰۰۸ تعرفه‌هایی بالاتر از تعرفه‌های تثبیتی و مورد عمل کشورهای مورد مطالعه اعمال کرده است.

طبقات تعرفه‌ای دارای میانگین تعرفه بالا عبارت‌اند از: پنبه، محصولات معدنی و فلزی، مواد شیمیایی، چوب، کاغذ و غیره، منسوجات، پوشاک، چرم، کفش و غیره، ماشین‌های غیرالکتریکی، ماشین‌های الکتریکی، ادوات حمل‌ونقل و محصولات صنعتی.

البته باید میان طبقات تعرفه‌ای مانند محصولات معدنی و فلزی، مواد شیمیایی و ماشین‌های غیرالکتریکی با دیگر طبقات تعرفه‌ای این گروه تمایز قائل شویم؛ زیرا در مورد این طبقات، تعرفه کنونی کمی بالاتر از متوسط تعرفه تثبیتی کشورهای عمده تجاری است ولی فاصله آنها از تعرفه‌های مورد عمل زیاد است. اما در مورد دیگر طبقات تعرفه‌ای این گروه مانند پوشاک، پنبه یا محصولات صنعتی، تعرفه کنونی ایران از تعرفه‌های تثبیتی این کشورها نیز بسیار بالاتر است.

۱۰. در حال حاضر نوعی سیاست حمایت تجاری نانوشته در کشور وجود دارد که از طریق سیاست تعرفه‌ای می‌توان به آن پی برد. با توجه به تعرفه‌های اعمالی در مورد گروه سوم می‌توان این نتیجه را گرفت که محصولات این گروه محصولاتی هستند که ایران، از آنها حمایت می‌کند و در نتیجه اولویت نانوشته تجاری ایران این دسته از محصولات هستند.

## ۷ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد اساسی‌ترین مشکلات سیاست‌های حمایتی تجاری کشور را بتوان به عدم پیش‌بینی نظام تعرفه‌ای ناشی از عدم تبیین اولویت صنعتی و عدم پیش‌بینی نظام ارزی و نرخ ارز نسبت داد. البته تلاش‌های پراکنده و آکادمیک برای معرفی اولویت صنعتی در راستای سیاست راهبردی تجاری و هدفمند کردن سیاست‌های تجاری صورت گرفته است اما این مطالعات دارای رویکردهای گذشته‌نگر و یا مبتنی بر وضعیت فعلی بوده‌اند و کمتر به آینده‌پژوهی توجه داشته‌اند و تاکنون موفق به اخذ مهر تأیید نیز نشده‌اند.

هرچند می‌توان اولویت نانوشته تجاری ایران را محصولات گروه سوم دانست. اما به هر حال باید سیاست راهبردی تجاری کشور به نحوی تدوین شود که پاسخ‌گوی سؤالات زیر باشد:

۱. با توجه به نزدیک شدن به آغاز فرایند مذاکرات الحاق ایران به سازمان جهانی

تجارت کدام محصولات گروه سوم محصولات راهبردی ایران و بیانگر بخش‌های پیش

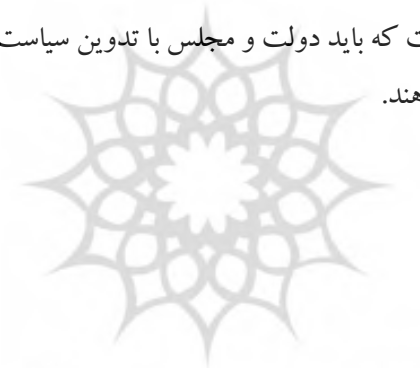
رو صنعت کشور در آینده است؟



۲. براساس اصول آینده‌پژوهی، کدام صنایع و بخش‌ها می‌توانند راهبرد حمایتی کشور را تشکیل دهند؟

۳. در صورتی که بعضی از صنایع و بخش‌های مشمول حمایت تعرفه‌ای مورد تأیید کارشناسی نیست و یا توان کسب مزیت مقایسه‌ای در تولید و بهره‌وری را ندارند، چه زمانی و به چه شیوه‌ای به اصلاح نظام تعرفه‌ای آنها دست خواهیم زد؟

۴. با توجه به ضرورت اتخاذ سیاست راهبردی تجاری و تأکید برنامه چهارم توسعه بر آن و آغاز قریب‌الوقوع فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت، تعیین این اولویت‌ها جزء ضرورت‌های اقتصادی است که باید دولت و مجلس با تدوین سیاست‌های شفاف ابهام‌زدایی کنند و زمان را از دست ندهند.



پیوست‌ها

جدول ۱ میانگین تعرفه‌های تشبیتی

نوع تعرفه	اتحادیه	چین	هند	کره	روسیه	تایلند	امارات	ترکیه	عربستان	آذربایجان	قزاقستان	ژاپن	چین تایپه	مالزی	سویس	متوسط تعرفه‌های تشبیتی
محصولات حیوانی	۶۶/۸	۱۴/۸	۱۰/۵	۷/۳	۲۲/۳	۳۰/۵	۳۷/۸	۱۳/۸/۵	۱۳	۱۴/۲	۱۴/۲	۱۷/۶	۱۶	۳۳/۳	۱۶۲/۲	۴۵/۱۵
محصولات لبنی	۶۶/۸	۱۷/۲	۶۵	۶۹/۸	۱۶/۲	۳۳	۱۵	۱۶۵/۸	۱۰/۹	۱۵	۱۶/۶	۱۲۶/۸	۱۵/۳	۲۹/۳	۱۶۸/۳	۵۵/۰/۸
میوه، سبزیجات و گیاهان	۱۰/۷	۱۵	۱۰۰/۸	۶۴/۳	۱۷/۲	۵۳/۳	۱۵	۳۸/۳	۱۲/۲	۱۳/۸	۱۶/۹	۱۰/۳	۲۰/۸	۱۴/۸/۱	۳۲/۵	۳۷/۲/۹
قهوه و چای	۶/۹	۱۴/۹	۱۳۳/۱	۷۳/۱	۱۰/۱	۵۵/۵	۱۵	۸۰/۳	۹/۳	۱۴/۶	۸/۹	۱۴/۳	۸/۵	۱۹/۱	۱۲/۱	۳۱/۷
غلات	۲۴/۳	۳۲/۷	۱۱۹/۳	۷۸۰	۱۴/۸	۳۲/۶	۱۵	۶۷/۶	۱۲/۹	۱۳/۱	۱۲/۱	۷۹/۵	۲۲/۱	۱۶	۵۲/۱	۴۶/۹/۹
دانه‌های روغنی، چربی‌ها و روغن‌ها	۵/۶	۱۱/۶	۱۶/۸/۹	۴۶/۹	۹/۶	۲۸/۳	۱۹/۹	۳۴/۵	۱۱/۳	۸/۴	۹/۱	۹/۸	۱۹/۳	۳۲/۱	۷۸/۳	۳۲/۹/۱
شکر و شیرینی	۲۹/۵	۲۷/۴	۱۲۴/۷	۳۲/۲	۲۰/۳	۳۷/۸	۱۳۵/۵	۱۱۴/۸	۱۲/۳	۱۲/۲	۱۰/۳	۳۸/۷	۴۹/۵	۱۸/۳	۴۹	۴۰/۲/۰
نوشیدنی‌ها و نخلیات	۲۲/۲	۲۴/۱	۱۳۷/۵	۴۲/۵	۳۰	۶۰/۳	۱۵	۸۳/۳	۱۶/۸/۱	۱۴/۸	۲۸/۳	۱۴/۸	۱۴/۷	۳۳	۵۲/۱	۷۷/۵/۶
پنبه	۰	۲۲	۱۱۰	۲	۰	۴/۵	۱۵	۱۰/۹	۱۴/۳	۱۳	۰	۰	۴	۰	۱۲/۹/۷	
دیگر محصولات کشاورزی	۵/۱	۱۱/۹	۱۰۴/۱	۲۰/۸	۶/۷	۳۸/۱	۱۵	۳۰/۳	۱۳/۳	۱۲	۶/۶	۴/۵	۲/۵	۸/۸	۱۷/۸	۱۹/۲/۳
ماهی و محصولات دریایی	۱۶/۳	۱۱	۱۰۰/۷	۱۵	۱۷/۸	۱۳/۸	۱۵	۵۷/۵	۱۰/۸	۱۱/۳	۱۶/۶	۵	۲۳/۹	۷/۹	۱/۸	۲۰/۲/۲

جدول ۱ میانگین تعرفه‌های تنبیتی

نرخ تعرفه	انحصاریه	چین	هند	کره	روسیه	تایلند	امارات	ترکیه	عربستان	آذربایجان	قزاقستان	ژاپن	مالزی	سویس	متوسط تعرفه‌های تنبیتی
مواد معنی و فلزات	۲	۸	۲۸/۳	۷/۶	۱۰/۳	۲۴/۸	۱۲/۸	۱۱/۷	۶/۱	۱۰/۷	۸/۳	۳	۱۷/۹	۱/۷	۱۱/۸۳
نفت خام	۲	۲/۳	۰	۱۲/۳	۴/۵	۰	۱۵	۱۶/۸	۷/۱	۴/۳	۵/۸	۶/۲	۱۲/۳	۱۰/۳	۱۰/۴۰
مواد شیمیایی	۴/۶	۶/۷	۲۹/۵	۵/۹	۷	۲۹/۷	۱۶/۸	۲۷	۵/۳	۴/۳	۵/۸	۲	۱۱/۹	۱/۲	۱۰/۰۵
چوب، کتان و غیره	۰/۹	۵	۲۶/۵	۲/۸	۱۵/۳	۲۴/۳	۱۳	۲۷	۹	۱۱	۸/۶	۰/۹	۱۸/۵	۴/۸	۱۱/۷۷
مسوجات	۶/۵	۹/۷	۴۰/۳	۱۵/۹	۱۲	۲۸/۳	۱۴/۹	۲۴/۳	۱۴/۸	۱۲/۸	۱۰/۲	۵/۴	۱۸/۹	۶/۴	۱۵/۱۵
پوشاک	۱۱/۵	۱۶/۲	۴۳/۵	۲۸/۳	۲۴/۶	۳۰	۱۵	۲۷/۳	۱۱/۲	۱۵	۷/۸	۹/۲	۲۰/۷	۶/۴	۱۸/۵۱
چرم، کفش و غیره	۴/۲	۱۲/۷	۲۵/۲	۱۲/۳	۱۰/۹	۳۰/۳	۱۵	۲۲/۳	۱۲/۵	۱۲/۳	۱۰/۳	۵/۴	۲۱/۵	۲/۷	۱۴/۴۹
ماشین‌های غیر الکترونیکی	۱/۷	۸/۴	۲۸/۲	۹/۵	۴/۶	۱۸/۷	۱۴/۳	۱۰/۸	۱۰/۷	۲/۴	۲/۴	۰	۹/۸	۰/۸	۸/۵۲
ماشین‌های الکترونیکی	۲/۴	۸/۸	۲۶/۸	۹	۸/۹	۴۰/۲	۱۵	۱۱	۸	۹	۲/۴	۰/۲	۱۳/۶	۱	۹/۲۶
انواع حمل و نقل	۴/۸	۱/۵	۲۵/۸	۸/۲	۱۰/۷	۴۸/۳	۱۳/۸	۱۷/۸	۱۱	۴	۵/۲	۰	۱۴/۲	۲/۶	۱۳/۰۰
محمولات صنعتی	۲/۵	۱۲/۳	۲۱/۴	۱۰/۱	۱۲/۶	۲۵/۸	۱۴/۳	۱۴/۳	۱۰/۹	۹/۹	۸/۷	۱	۹/۹	۱/۵	۱۱/۲۶

منبع: سایت رسمی سازمان جهانی تجارت به آدرس [www.wto.org](http://www.wto.org)

جدول ۲ میانگین تعرفه‌های مورد عمل

نرخ تعرفه	انحصاریه	چین	هند	کره	روسیه	تایلند	امارات	ترکیه	عربستان آذربایجان	افغانستان	ژاپن	چین تایپه	مالزی	سومالی	متوسط تعرفه‌های مورد عمل
محصولات حیوانی	۲۵/۸	۱۴/۸	۳۱/۶	۳۱/۱	۲۲/۳	۷۸/۱	۳/۳	۱۲۷/۵	۲/۳	۱۴/۴	۱۳/۹	۱۶/۸	-/۵	۱۳۱/۶	۳۲/۰۶
محصولات انبسی	۶۲/۳	۱۷/۲	۲۴/۵	۶۷/۵	۱۶/۲	۱۵/۸	۵	۱۳۳/۱	۵	۱۶/۶	۱۵۳/۷	۱۶	۲/۳	۱۳۹	۴۷/۰۹
میوه، سبزیجات و گیاهان	۱۹/۶	۱۳/۸	۳۰/۸	۵۷/۸	۱۷/۲	۲۷/۶	۳/۳	۳۴/۹	۲/۳	۱۷/۹	۱۲/۳	۲۰/۳	۴/۲	۲۳/۷	۱۸/۸۴
قهوه و چای	۶/۹	۱۴/۸	۵۵/۹	۱/۸۸	۱۹/۳	۲۳/۱	۳/۱	۲۶/۳	۲/۳	۸/۹	۱۵/۵	۸/۵	۹	۶/۲	۱۸/۰۹
غلات	۱۹/۸	۲۴/۵	۳۱/۱	۱۳۳	۱۰/۳	۱۹/۳	۳/۵	۲۹/۲	۳/۵	۱۲/۱	۶۳/۳	۴۰/۸	۵/۱	۲۹/۱	۳۰/۷۷
دان‌های روغنی، چربی‌ها و روغن‌ها	۶	۱۹/۲	۴۸/۸	۴۰	۹/۶	۱۹/۱	۴/۹	۱۶/۲	۲/۳	۹/۱	۱۰/۹	۱۸/۸	۱/۷	۳۵/۳	۱۶/۳۳
شکر و شیرینی	۲۹/۸	۳۷/۴	۳۴/۴	۱۷/۸	۲۰/۳	۳۲/۳	۳/۸	۱۰۳/۳	۲/۳	۱۰/۳	۲۲/۳	۱۶	۲/۸	۳۷/۳	۲۵/۰۶
نوشیدنی و نوشانیات	۲۰	۲۳	۶۲/۳	۳۱/۷	۳۰	۳۳/۳	۴۸/۶	۲۵/۷	۷/۶	۳۸/۳	۱۳/۹	۱۶/۱	۱۳/۶	۳۸/۹	۴۳/۳۵
پنبه	۰	۲۳	۱۷	۰	۰	۰	۵	۰	۵	۰	۰	۰	۰	۴/۱۳	۴/۱۳
دیگر محصولات کشاورزی	۵/۶	۱۱/۷	۲۲	۱۶/۶	۶/۷	۱۰/۳	۴/۳	۱۰/۷	۲/۳	۶/۶	۵/۳	۳/۳	-/۶	۱۰/۳	۸/۷۱
ماهی و محصولات دریایی	۱۰/۶	۱۰/۹	۲۹/۶	۱۵/۸	۱۲/۸	۱۴/۵	۳/۳	۳۲/۳	۲/۳	۱۱/۶	۵/۵	۲۲/۸	۲/۲	-/۵	۱۷/۵۳
مواد معدنی و فلزات	۲	۷/۹	۸/۳	۴/۶	۱۰/۳	۵/۹	۴/۹	۲/۷	۲/۹	۸/۱	۱	۲/۷	۱۰/۸	۱/۳	۵/۶۰

جدول ۲ میانگین تعرفه‌های مورد عمل

نرخ تعرفه	اتحادیه	چین	هند	کره	روسیه	تایلند	امارات	ترکیه	عربستان	آذربایجان	قزاقستان	ژاپن	تایپه	مالزی	سویس	متوسط تعرفه‌های مورد عمل
نفت خام	۲/۳	۵/۱	۸/۹	۲/۶	۴/۵	۹/۴	۵	۲/۱	۵	۱۰/۷	۵	۰/۴	۲/۹	۱/۱	۰	۴/۶۱
مواد شیمیایی	۲/۸	۶/۹	۸	۵/۹	۷	۴/۸	۴/۴	۴/۶	۴/۴	۴/۴	۵/۸	۲/۵	۲/۸	۲/۳	۱	۴/۵۷
چوب، کاغذ و غیره	۰/۹	۴/۶	۲۰/۹/۹/۱	۲/۳	۱۵/۳	۶/۸	۴/۷	۰/۹	۴/۷	۱۱	۸/۶	۰/۸	۰/۵	۱۰/۷	۲/۹	۵/۶۵
منسوجات	۶/۶	۹/۷	۳۲/۳	۹/۱	۱۳	۸/۱	۵	۶/۶	۵	۱۲/۸	۱۰/۲	۵/۵	۷/۴	۱۰/۵	۵/۸	۹/۰۱
پوشاک	۱۱/۵	۱۶	۱۰/۱	۱۲/۶	۲۴/۶	۲۴/۵	۵	۱۹/۵	۵	۱۵	۷/۱	۹/۲	۱۱/۷	۱۶	۵/۲	۱۳/۱۴
چرم، کفش و غیره	۴/۱	۱۳/۵	۷	۷/۹	۱۰/۹	۱۲/۷	۵	۴/۱	۵/۴	۱۲/۴	۱۰/۴	۱۱/۲	۵/۲	۱۲/۹	۱/۸	۸/۵۷
ماشین‌های غیرالکتریکی	۱/۷	۸/۳	۶/۶	۶	۴/۶	۴/۷	۴/۸	۱/۸	۴/۸	۲/۴	۲/۳	۰	۲/۱	۲/۶	۰/۵	۴/۷۸
ماشین‌های الکتریکی	۲/۶	۹	۲۰/۸	۶/۲	۸/۹	۸/۳	۴	۲/۶	۴	۹	۲/۴	۰/۲	۴	۶/۵	۰/۸	۵/۰۱
ادوات حمل و نقل	۴/۱	۱۱/۵	۸/۷	۵/۵	۱۰/۷	۲۰/۷	۴	۴/۳	۴	۴	۵/۲	۰	۸/۴	۱۱/۴	۱/۴	۷/۷۳
محصولات صنعتی	۲/۵	۱۲/۲		۶/۷	۱۲/۶	۱۱	۴/۷	۲/۶	۴/۷	۹/۹	۸/۷	۱/۳	۲/۲	۴/۹	۱/۳	۶/۳۹

منبع: همان.

## منابع و مآخذ

- امیدبخش، اسفندیار (۱۳۸۵). *از موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت*، سازمان جهانی تجارت (ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها)، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- امیدبخش، اسفندیار (۱۳۸۴). *اقتصاد سیاسی نظام تجارت جهانی و تجارت خارجی ایران*، مؤسسه انتشارات روزنامه ایران.
- اطلاعات مندرج در لوح فشرده پیوست نامه گمرک جمهوری اسلامی ایران، مورخ ۱۳۸۸/۱/۲۹ به شماره ۲۲/۷۳/۲۵۳/۱۰۲۰۳.
- تاری، فتح‌اله و سعید غلامی باغی (۱۳۸۷). *نقش تعرفه‌ها در واردات و نظام مناسب در تعیین تعرفه کالاهای وارداتی*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- جداول آماری وزارت بازرگانی ضمن بررسی لایحه بودجه ۱۳۸۹ کل کشور، کمیسیون تلفیق.
- حسینی، میرعبدا... (۱۳۸۴). *سیاست تجاری کشاورزی ایران و تعیین معادل‌های تعرفه‌ای در قالب ضوابط سازمان جهانی تجارت*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- درگاهی، حسن (۱۳۸۳). «گزارش‌های تفصیلی استراتژی توسعه صنعتی کشور» (جلد دوم: نقش دولت در فرایند توسعه صنعتی)، تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف.
- دژم‌خوی، غزاله (۱۳۸۵). *نظام حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت*، سازمان جهانی تجارت (ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها)، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- رازینی رحمانی، ابراهیم علی (۱۳۸۱). *سیاست‌های حمایتی و پیامدهای آن در ایران*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- رضوی، محمدرضا (۱۳۸۳). *برای تدوین استراتژی توسعه صنعتی هنوز در ابتدای راه هستیم*، از سیاست اقتصادی تا سیاست صنعتی، تهران، مرکز مطالعات فناوری دانشگاه صنعتی شریف.
- زاهدطلبان، علی (۱۳۸۵). «تحول در سیاست تجاری ایران (حرکت به سوی حاکم شدن ابزارهای تعرفه‌ای)»، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، ش ۳ و ۲.

سایت رسمی سازمان جهانی تجارت به آدرس: [www.wto.org](http://www.wto.org)

«سیاست استراتژیک تجاری چیست و چه مزایایی دارد»، بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۳۸، ۱۳۷۷.

شاهمیرزایی، علیرضا (۱۳۸۳). «سه خطای کتاب مطالعات استراتژی صنعتی و تأثیر آن در تخدیر مدیریت کشور»، از سیاست اقتصادی تا سیاست صنعتی، تهران، مرکز مطالعات فناوری دانشگاه صنعتی شریف.

صادقی یارندی، سیفا... و مسعود طارم‌سری (۱۳۸۵). تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

عابدین مقانکی، محمدرضا (۱۳۸۵). اولویت‌بندی صنایع ایران براساس رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی با هدف منطقی نمودن سیاست‌های حمایتی تجاری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

عسگری، منصور (۱۳۸۵). تأثیر سیاست‌های تجاری و ارزی بر بخش صنعت ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

کروگمن، پل آر. (۱۳۷۸). تفکری جدید درباره سیاست تجاری، سیاست استراتژیک تجاری و اقتصاد بین‌الملل جدید، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

گروه نویسندگان (۱۳۸۵). سازمان جهانی تجارت (ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها)، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

معصوم‌زاده، سیدمحسن و اقدس تراب‌زاده (۱۳۸۳). رتبه‌بندی تولیدات صنعتی کشور، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۳۰.

میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۰). «نظریه سیاست استراتژیک تجاری و کاربرد آن در توسعه صادرات صنعتی ایران»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). «سیاست راهبردی تجاری و انتخاب برندگان (مورد ایران)»، مجموعه مقالات دومین

همایش سالانه سیاست‌های بازرگانی و تجارت بین‌الملل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲). خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف.

ولدبیگی، حسن (۱۳۸۶). سیاست‌های توسعه تولید و صادرات بخش‌های پویا در کشورهای منتخب و مقایسه با ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

Gamberoni, Elisa and Newfarmer Richard (2009). "*Trade protection: incipient but Worrisome trends*", World Bank.

